

مؤلف:

ابوالقاسم پاینده (معاصر)

معرفی اجمالی کتاب:

کتاب نهج الفصاحه، مشتمل بر روایات و کلمات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله.

می باشد. این کتاب در دو قسمت احادیث و خطبه ها، تنظیم شده است. علت نام

گذاری این مجموعه وزین به نهج الفصاحه به خاطر حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله.

است که فرموده اند: «انا فصح العرب» من فصیح ترین فرد عرب، هستم. مؤلف سخنان

پیامبر را در موضوع فضیلت و اخلاق آورده و از آوردن احادیث فقهی و... خودداری کرده است.

بعضی از کلمات این مجموعه در ردیف کلمات قصار علی بن ابی طالب علیه السلام نقل

شده و در بعضی موارد در مفهوم معنی و حتی لفظ شبیه هم می باشند. این توار در مؤلف

چنین بیان می کند: «توار بسیاری از کلمات و اخبار منتسب به علی علیه السلام با

احادیث و کلمات پیامبر دیده می شود، که در گمان بعضی ها این نتیجه اشتباه راویان است.

ولی حقیقت این است که تقارب و تشابه معنوی که میان محمد و علی علیهما السلام وجود

دارد، این تشابه را به وجود آورده است.»

در این مجموعه کران سنک 3227 حدیث و 16 خطبه از پیامبر با مقدمه مفصل مؤلف

در 167 صفحه که در موضوع انگیزه نگارش نهج الفصاحه، علت نام گذاری، فصاحت

پیامبر، تاریخ پیامبر و موضوعات دیگر به رشته تحریر درآمده است جمع آوری شده

است. احادیث و خطبه ها به وسیله خود مؤلف به فارسی ترجمه و روبروی احادیث در

یک صفحه به چاپ رسیده است. به جهت مهارت و تجرویره مؤلف ترجمه این مجموعه

روان، ساده و زیبا صورت گرفته است. تاریخ نگارش کتاب سال 1324 شمسی

بوده است.

www.hafezasrar.com

احادیث پیامبر (ص) - نهج الفصاحه - قسمت اول

www.hafezasrar.com

سایت www.hafezasrar.com شامل صد کتاب در زمینه

خداشناسی و مذهبی میباشد و همه عزیزان را به بازدید از این کتابها دعوت مینمایم.

کل کتاب شریف نهج الفصاحه در پنج قسمت، در همین سایت و در قسمت دانلود کتابهای

مهم حدیثی موجود است.

جهت دریافت فایل قابل ویرایش به سایت شهید آوینی مراجعه فرمائید:

منبع: وبسایت شهید آوینی به آدرس ذیل

<http://www.aviny.com/nahej->

fasahe/fehrest.aspx

آفة الشجاعة البغي، وآفة الحسب الافتخار، وآفة السامحة المن، وآفة الجلال النخلاء، وآفة

الحديث الكذب، وآفة العلم النسيان، وآفة الحكم البغض، وآفة الجود السرف، وآفة الدين

الهوى؛

سرکشی آفت شجاعت است، تفاخر آفت شرافت است، منت آفت سماحت

است، خودپسندی آفت جمال است، دروغ آفت سخن است فراموشی آفت دانش

است، سفاکت آفت بردباری است، اسراف آفت بخشش است، هوس آفت

دین است.

استُوا الدَّعْوَةَ إِذَا دُعِيتُمْ؛

وقتی شمارا دعوت کردند بپذیرید.

3

أنت المعروف واجتنب المنكر وانظر ما يعجب أذنك أن يقول لك القوم إذا قمت

من عندهم فأتهم وانظر الذي تكره أن يقول لك القوم إذا قمت من عندهم فاجتنب؛

نیک کردار باش و از کار بد پرهیز. پس میل داری دیگران درباره تو چه بگویند همان طور

رفتار کن و از آنچه نمیخواهی درباره تو بگویند بکنار باش.

4

آفة الدین ثلاثة: فقیه فاجر، و إمام جائر، و مجتهد جاهل؛

آفت دین سه چیز است: دانای بدکار و پیشوای ستم کار و مجتهد نادان.

5

آفة العلم النسيان وإضاعة أن تحدث به غير أهله؛

آفت دانش فراموشیست و دانشی که بناهیل سپاری تلف می شود.

6

أكل كما يأكل العبد، و أجلس كما يجلس العبد؛

مانند بندگان غذا میخورم و مانند آنها بر زمین می نشینم.

7

آمروا النساء فی بناهنّ؛

بازمان در باره دخترانشان شور کنید.

7

آیه المنافق ثلاث، إذا حدث كذب وإذا وعد أخلف وإذا أئتمن خان؛

نشان منافق سه چیز است، سخن بدروغ گوید، از وعده تخلف کند و در امانت خیانت

نماید.

8

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ قَاتِلَ الْمُؤْمِنِ تَوْبَةً؛

خداوند از گناه قاتل مؤمن نمیکرد و توبه او را نمی پذیرد.

9

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَنْقِلَ عِلَّ صَاحِبِ بَدْعَةٍ حَتَّى يَدْعَ بَدْعَتَهُ؛

خداوند عیال بدعتگذار را نمی پذیرد تا از بدعت خویش دست بردارد.

10

اِسْتَوْا الرِّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ تَحْلُمُ عَمَّنْ جَهِلَ عَلَيْكَ وَتُعْطَى مِنْ حَرَمِكَ؛

اگر میخواهید پیش خداوند منزلتی بلند یابید خشونت را به بردباری و محرومیت را به عطا تلافی

کنید.

11

أَبْدِ الْمَوَدَّةَ لِلْمَنْ وَادِّكْ فَإِنَّهَا أَثْبَتُ؛

آنکه با تو دوستی می زند با وی ره دوستی گیر که این گونه دوستی پایدار تر است.

12

ابدأ بتسك فصدق عليها فإن فضل شيء فلا تهلک فإن فضل شيء عن أهلك

فلذی قرأتک فإن فضل عن ذی قرأتک شیء فمکذا وھکذا ابدأ بمن تعول؛

صدقه را از خوشتن آغاز کن اگر چیزی فزون آمد بکسان خود ده اگر از کسان تو چیزی

فزون آمد بخیشان ده و اگر از خویشان نیز چیزی فزون آمد به دیگران ده و همچنین صدقه را

از عیال خویش آغاز کن.

13

أبی اللہ ان یرزق عبده المؤمن إلا من حیث لا یتحتسب؛

خدا روزی بنده مؤمن خویش را از جایی که انتظار ندارد میرساند.

14

لَبِّدُوا بِأَمْرِ اللَّهِ؛

صدقه را از آنچه خداوند آغاز کرده است آغاز کنید.

15

أَبْشِرُوا بِشِرْوَايَ مَنْ وَرَاءَكُمْ أَنَّهُ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا لَهَا وَخَلَّ رَاجِحَةً؛

شمارا مرده میدهم و شما بدیدگراں مرده دهید که هر کس شهادت دهد که خدائی جز خدای یگانه

نیست و بدان معتقد باشد وارد بهشت می شود.

16

أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ؛

منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است.

17

أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ آمَنَ ثُمَّ كَفَرَ؛

منفورترین مردم پیش خدا آن کس است که ایمان آورد و سپس کافر شود.

18

أَبْغَضُ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْأَدْنَى خِصْمُ؛

منفورترین مردان در پیش خدا مرد بوج و ستیزه جوست.

19

أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ مَنْ كَانَ ثَوْبَاهُ خَيْرًا مِنْ عِلْمِهِ: أَنْ يَكُونَ شَيْبَةً شَيْبَ الْأَنْبِيَاءِ وَعِلْمُهُ عِلْمُ

الْحَجَّارِينَ؛

منفورترین بندگان در پیش خدا کسی است که جامه وی از کارش بهتر باشد، یعنی جامه او
جامه پیمبران باشد و کار وی کار سنگمرغان.

20

أَبْغَوْنِي الضَّيْعَاءَ فَإِنَّمَا تَرْزُقُونِ وَتَصْهَرُونَ بِضَيْعَاءِ كَلَمٍ؛

ناتوان را پیش من آرید زیرا شما به برکت ناتوانان خود روزی می خورید و یاری می شوید.

21

بَلِّغُوا حَاجَةَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ ابْلَاحَ حَاجَتِهِ. فَمَنْ أَبْلَغَ سُلْطَانًا حَاجَةَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ ابْلَاحَ غَمَائِهِ ثَبَتَ اللَّهُ

قَدَمِهِ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوانست بزرگان برسانید زیرا هر کس حاجت درمانده

ای را بزرگی برساند روز رستاخیز خداوند پاهای وی را بر صراط استوار میسازد.

22

ابن آدم طبع ربك تسمى عاقلاً ولا تعصه قسمي جاهلاً؛

فرزند آدم! پروردگار خویش را فرمانبردار باش تا ترا خردمند خوانند و از فرمان وی بیرون
مباش که ترانادان شمارند.

23

ابن آدم إذا أصبحت معاني في جسدك آمناني سربك عندك قوت يومك فاعلى الدنيا

العناء

فرزند آدم وقتی تن تو سالم است و خاطرت آسوده است و قوت یک روز خویش را
داری جهان کو مباش.

24

ابن آدم عندک مایفیک و تطلب مایطغیک ابن آدم لا یقلیل تقنع ولا یشیر شعب؛

فرزند آدم، آنچه حاجت تو را رفع کند در دسترس خود داری و در پی آنچه ترابه طغیان

و امیدارد روز میگذاری، به اندک قناعت نمیکنی و از بسیار سیر نمیشوی.

25

اتانی جبریل فقال یا محمد عیش ما شئت فانک میت و احب ما شئت فانک معارفه و

اعل ما شئت فانک مجزى به. و اعلم ان شرف المؤمن قیامه باللیل و غیبه استغناؤه

عن الناس؛

جبریل پیش من آمد و گفت ای محمد هر چه میخواهی زنده بمان که عاقبت خواهی مرد، هر چه

را میخواهی دوست بدار زیرا از آن جدا خواهی شد و هر چه میخواهی بکن که پاداش آن را

خواهی دید و بدان که شرف مؤمن بپا داشتن شب است و عزت وی بی نیازی از

مردم.

26

اتانی جبریل و قال بشر ایتک انه من مات لا یشرک بالله شیئاً دخل الجنة قلت یا جبریل

وان سرق وان زنی قال نعم قلت وان سرق وان زنی قال نعم قلت وان

سرق وان زنی قال نعم وان شرب الخمر

جبریل پیش من آمد و گفت امت خود را بشارت بده که هر کس بمیرد و چیزی را با خدا
شریک نسازد به بهشت میرود گفتم ای جبریل و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده
باشد؟ گفت آری گفتم و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری گفتم و
اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد گفت آری و اگر هم شراب خورده باشد.

27

أَتَجِبُ أَنْ يَلِينُ قَلْبُكَ وَتَدْرِكَ حَاجَتُكَ؟ أَرْحَمُ الْيَتِيمَ وَاسْجُ رَأْسَهُ وَأَطْعِمَهُ مِنْ طَعَامِكَ
يَلِينُ قَلْبُكَ وَتَدْرِكَ حَاجَتُكَ؛

آیا دوست داری دلت نرم شود و حاجت خود بیایی بریتیم رحمت آوروی را بنواز و از
غذای خویش بدو بخوران تا دلت نرم شود و حاجت خود بیایی.

28

أَتَحِبُّونَ الشَّقَّةَ فِي حِلِّ الْحَارَةِ إِنَّمَا الشَّقَّةُ أَنْ يَمْتَلِي أَحَدُكُمْ عِطَافًا ثُمَّ يَغْلِبُ؛
آیا کمان میکنید نیرومندی در بردن سنگ است، نیرومند حقیقی آنست که خشمگین شود و
بر خشم خود غالب گردد.

29

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيْادِي فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

بافقر دوستی کنید زیرا در روز رستاخیز دوستی بزرگ دارند.

30

أَتَدْرُونَ مَا الْعَصَةِ؟.. نَقَلَ الْحَدِيثَ مِنْ بَعْضِ النَّاسِ إِلَى بَعْضٍ لِيُفْسِدُوا فِيهِمْ؛

آیا میدانید سخن چینی چیست؟ سخن چینی آنست که سخنی را از کسان پیش دیگران نقل
کنند و میان آنها را بهم بزنند.

31

أَتُرَكُّ فُضُولَ الْكَلَامِ وَحَسْبُكَ مِنَ الْكَلَامِ مَا تُلَبِّغُ بِهِ حَاجَتَكَ؛

از سخنان بیهوده چشم پوش سخنی که رفع حاجت کند ترا کفایت کند.

32

اتركوا الدنيا لاهلها فإنه من أخذ منه فوق ما يكفيه أخذ من حتمه وهو لا يشعر

دنیا را ب مردم دنیا واگذارید زیرا هر کس از دنیایش از حد کفایت برگیرد در هلاک خویش

میکوشد اما نمیداند.

33

اتق الله في عسرک و يسرک؛

در سختی و سستی از خدا ترس.

34

اتق الله ولا تحقرن من المعروف شيئاً ولو أن تفرغ من دلوک فی اناء، لمستقی وأن

تلتقی أحاک ووجهک الیه منبسط؛

از خدا ترس و هیچ کاری را حقیر شمار که چه کاریست منحصر باین باشد که دلو خویش را در

طرف تشنه ای بریزی و برادر خود را با روی گشاده ملاقات کنی.

35

اتق دعوة المظلوم فإنه یسأل الله تعالى حقه وإن الله تعالى لا یمنع ذا حق حقه؛

از دعای مظلوم پرسنیزیراوی بدعا حق خویش را از خدا میخواهد و خدا حقرا از حق دار

دریغ نمیدارد.

36

اَتَقُوا اللَّهَ وَاعِدُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تَحِبُّونَ أَنْ يَهْبِطَ كُمْ؛

از خدا بترسید و میان فرزندان خود بعدالت رفتار کنید همان طور که میخواهید با شما بسکبی رفتار

کنند.

37

اَتَقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَحِلُّ عَلَى الْغَنَامِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى وَغَنَتِي وَجَلَالِي لَا أَنْصُرْكَ وَلَوْ

بعد حسین؛

از نفرین مظلوم بترسید زیرا نفرین وی برابر با میرود و خداوند می گوید بغزت و جلال من
سوکند که ترا یاری نمیکنم اگر چه پس از مدتی باشد.

38

اتَّقُوا الْحِجْرَ الْحَرَامَ فِي الْبَنِيَانِ فَإِنَّهُ أَسَاسُ الْخَرَابِ؛

از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرسید که مایه ویرانی است.

39

اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛

از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدا میگرد.

40

لَتَقُوا الشَّجَرِ فَإِنَّ الشَّجَرَ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ رَبِّكُمْ وَحَلَمَ عَلَى أَنْ يَكُونُوا دُعَاءَهُمْ وَاسْتَحْلُوا

محارمهم؛

از بخل پرسزید زیرا که بخل پشیمان را هلاک کرد و آنها را وادار کرد که بخون یک دیگر

دست بیالایند و محارم خویش را حلال شمارند.

41

لَتَقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَبِكَمَّةٍ طَيِّبَةٍ؛

از آتش پرسزید و اگر چه بوسید یک پاره خرم باشد و اگر نذارید بوسید سخنی نیک.

42

اتقی المحارم تکون أعبد الناس وارض بما قسم الله لك تكن أغنى الناس؛

از چیزهای حرام پرهیز تا از همه کس عابدتر باشی و به قسمت خویش راضی باش تا از همه کس ثروتمندتر باشی.

43

أتقى الناس من قال الحق في ماله وعليه؛

از همه مردم پرهیز کار تر آن کس است که حق را بر نفع و ضرر خویش بگوید.

44

اتَّقُوا الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا نَفْسٌ بَيِّدَةٌ إِنَّهَا لَأَسْحَرُ مَنْ هَارَوَتْ وَهَارَوَتْ؛

از دنیا پرسوزید، قسم بآن کس که جان من در کف اوست که دنیا از هاروت و ماروت
ساحر تر است.

45

اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ؛

درباره زنان از خدا بترسید که آنها پیش شما اسیرند.

46

اتَّقِ اللَّهَ حَتَّى تَكُونَ تَتَجَاوَزُ النَّاسَ بِخَلْقِ حَسَنٍ؛

هر کجا هستی از خدا ترس؛ به دنبال گناه کار نیک انجام بده تا آن را محو کند و با مردم خوش
اخلاق و نیکو رفتار باش.

47

اَلَيْتُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَاِنْهَا تَصْعَدُ اِلَى السَّمَاءِ كَأَنْهِيَ شِرَارَةٌ؛

از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان میرود.

48

اَلَيْتُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ وَاِنْ كَانَ كَافِرًا فَاِنْهَا لَيْسَ دُونَهَا حِجَابٌ؛

از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد، زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعی نیست.

49

اتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛

از خدا بترسید و میان خویش را اصلاح کنید.

50

اتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ أْبْلِسَ طَّلَعَ وَصَادُهُمَا هَوْبَشَىٰ ۚ مَنْ فُخِخَهُ بَأْثَقَ لَصِيدِهِ فِي

الْأَتْقِيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ؛

از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید زیرا شیطان نکران و در کمین است و هیچ یک از

دوامهای وی برای صید پرهیزکاران مانند زنان مورد اطمینان نیست.

51

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ستمری پرهیزید که ستمری مایه تاریکی روز رستاخیز است.

52

اتَّقُوا صَاحِبَ الْجِذَامِ كَمَا تَتَّقُونَ السَّعْيَ إِذَا هَبَطَ وَأَوْدَا فَا هَبَطُوا غَيْرَهُ.

از بیماری که بخوره مبتلا است پرهیزید چنان که از شیر میگریزید اگر در دره ای فرود آمد شما

در دره دیگر فرود آید.

53

التقوا زلّة العالم وانظروا نبيّة.

از لغزش دانا برسید و منظر بازگشت وی باشید.

54

اشنان لا تجاوز صلاتهماء و سماع عبد ابق من موالیه حتی یرجع وامرأة عصت زوجها حتی

ترجع.

دو کنند که نمازشان از سرشان بالاتر نمیرود بنده ای که از آقایان خود کمریخته باشد تا هنگامی

که باز گردد و زنی که شوهر خود را نافرمانی کرده باشد تا باز گردد.

55

اشنان لا یضر الله الیم یوم القیامة قطع الرحم و جارسوء.

دو کس را خداوند روز قیامت بظرف رحمت نمی نکرد، آنکه با خویشان بیرون آنکه با همسایه

بدی کند.

56

اشنان خیر من واحد و ثلاثة خیر من اثنین و أربعة خیر من ثلاثة فعلیکم بالجماعة.

دو تن از یکی بهتر و سه تن از دو تن برتر و چهار تن از سه تن نیکوتر است، همیشه با جماعت

باشید.

57

اشنان یکرهما بن آدم الموت والموت خیر له من القنّه ویکره قلّة المال وقلّة المال
أقلّ للحساب.

فرزند آدم از دو چیز بیزار است یکی مرگ در صورتی که مرگ برای او از قنّه بهتر است و
کمی مال در صورتی که هر چه مال کمتر باشد حساب آن آسانتر است.

58

اشنان یعلمهما الله فی الدنیا البغی وحقّ الوالدین.

دو چیز را خداوند در این جهان کیفر می دهد تعدی و ناسپاسی پدر و مادر.

59

اجتنبوا الخمر فإنها مفتاح كل شر.

از شراب بگریزید که کلید همه بدیهاست.

60

اجتنبوا التكبر فإن العبد لا يزال يتكبر حتى يقول الله تعالى أكتبوا عبدی هذا فی البحارین.

از تکبر پرهیزید زیرا بنده همین که بتکبر خو گرفت خداوند می گوید این بنده را در شمار کردن

کشان بشمار آرید.

61

اجتنبوا كل مسكر.

از هر چه مست میکند پرهیزید.

62

اجتناب الغضب.

از خشم پرهیز.

63

اجتنبوا دعوات المظلوم ما بینها و بین الله حجاب.

از نفرین های مظلوم بترسید که میان آن و خدا حجابی نیست.

64

أَجْرُكُمْ عَلَى قِسْمِ الْجَدِّ أَجْرُكُمْ عَلَى النَّارِ.

هر کس از شاد خوردن قسم جدی جری تراست: بهنم نزدیکتر است

65

إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ مُحَرَّمَةٌ.

هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خدا در زمین محرمات اوست.

66

أَجْلُوا اللَّهَ يَغْفِرَ لَكُمْ.

خدا را ستایش کنید تا شما را بپایمرزد

67

أَجْلُوا فِي طَلَبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كَلَامَ سِرِّمَا كَتَبَ لَهُ مِنْهَا.

در طلب دنیا معتدل باشید زیرا هر کس هر چه قسمت اوست میرسد

68

أَجْمَعِ النَّاسَ طَالِبَ الْعِلْمِ وَاشْبَعِمِ الَّذِي لَا يَتَغَيَّرُ.

از همه مردم گرفته تر آن کس است که در پی دانش می رود و از همه مردم سیر تر آن کس است که طالب آن نیست.

69

أجیبوا الدّاعی ولا تردّوا الهدیّة ولا تضربوا المسلمین.

دعوت را بپذیرید، هدیه را رد نکنید و مسلمانان را نزنید.

70

أحبّ الأعمال إلى الله الصّلاة لوقتها ثمّ برّ الوالدین ثمّ الجهاد فی سبیل الله

بهترین کارها نزد خدا نماز بوقت است آنگاه نیکی با پدر و مادر آنگاه جنگ در راه خدا.

71

أحبّ البلاد إلى الله مساجدها وأبغض البلاد إلى الله أسواقها.

محبوبترین جای شهرها در پیش خدا مسجد است و منفورترین جای شهرها در پیش خدا بازار است.

72

أحبّ العباد إلى الله الأتقياء الأخفاء.

محبوبترین بندگان در پیش خدا پرهیزکاران کمنامند.

73

أحبّ الأعمال إلى الله أدومها وإن قلّ.

محبوبترین کارها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر است اگر چه اندک باشد.

74

أحب حبيك هونام عسى أن يكون بغضك يوماً وأبغض بغضك هونام عسى أن

يكون حبيك يوماً.

در دوستی میانه نگه دار که شاید دوست روزی دشمن تو شود و در دشمنی راه افراط مسپار که شاید

دشمن روزی دوست گردد.

75

أحب للناس ما تحب لنفسك تكن مؤمناً وأحسن مجاورة من جاورك تكن مسلماً.

آنچه برای خود می خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن باشی و با همسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی.

76

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَطْعَمَ مِنْ جُوعٍ أَوْ دَفَعَ عَنْهُ مَغْرَمًا أَوْ كَشَفَ عَنْهُ كَرْبًا

بهترین کارها در پیش خدا آنست که بینوائی را سیر کنند، یا قرض او را سپرد از نیاز حمستی را از

اودفع نمایند

77

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِدْخَالُ السَّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ.

بهترین کارها در پیش خدا بعد از ادای واجبات خوشحال کردن مرد مسلمان است.

78

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.

بهترین کارها در پیش خدا آنکه داری زبان است.

79

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبَغْضُ فِي اللَّهِ.

بهترین کارها در پیش خدا دوستی و دشمنی در راه خداست.

80

أحبّ الجهاد إلى الله كلمة حقّ تقال للإمام جائر.

بهترین جهاد در پیش خدا سخن حقی است که به پیشوای ستم کارگویند.

81

أحبّ الحديث إلى أصدق

در نظر من بهترین سخنان آنست که راست تر باشد.

82

أحبّ الطعام إلى الله ما كثر عليه الأيدي.

بهترین غذا در پیش خدا آن است که گروهی بسیار بر آن بشینند.

83

أحبّ الله إلى الله تعالى إجراء النخل والرّمي.

بهترین بازی ها در پیش خدا سب دوانی و تیر اندازی است.

84

أحبّ عباده الله إلى الله أحسنهم خلقاً.

بهترین بندگان در پیش خدا کسی است که خلقش نیکتر باشد.

85

أحبّ الله تعالى عبداً سحاً إذا باع وسحاً إذا اشتري وسحاً إذا قضى وسحاً إذا قضى.

خداوند بنده ای را که بهنگام خرید و بهنگام فروش و بهنگام پرداخت و بهنگام دریافت سهل
انگار است دوست دارد.

86

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

از جمله بندگان آن کس پیش خدا محبوبتر است که برای بندگان خدا سودمندتر است.

87

أَحَبُّ لِلنَّاسِ مَا تَحِبُّ لِنَفْسِكَ.

آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواه

88

أحبُّ بيوْتكم إلى اللهِيت فيتيم مكرم.

محبوبترین خانه های شما در نظر خدا خانه ایست که در آن یتیمی محترم باشد.

89

احترسوا من الناس بسوء الظنّ.

بوسيله بدگمانی از مردم در امان باشید.

90

احسار الطعام بکثرة إحداد

احتکار خور دنیا در مکه کفر است.

91

أَحْثُوا الشَّرَابَ فِي وَجْهِ الدَّاعِينَ.

بر چهره تائبان خاک پخش کنید.

92

احذر أن يري عليك آثار المحسنين وأنت تخلو من ذلك فتخسر مع المرائين.

مبادا آثار نیکان در تو نمودار باشد و نیک نباشی که در این صورت باریکاران محذور خواهی

شد.

93

احذروا الشهوة الخفية: العالم يحب أن يجلس إليه.

از شهوت مخفی پرهیزید شهوت مخفی آنست که دانشمند دوست دارد کسان در محضروی

بشینند

94

احذروا البغى فإنه ليس من عقوبة هي احضر من عقوبة البغى.

از ستمگری پرهیزید زیرا کیفری از کیفر ستمکاری آماده تر نیست.

95

أخزم الناس أنظهم للغيظ.

آنکه در فرو بردن خشم از دیگران پیشتر است از همه کس دور اندیش تر است.

96

أحذروا زلّة العالم فإنّ زلّة تكبّه في النار.

از لغزش عالم بپرسید که لغزش او در آتش نگویند؛ نار خواهد کرد

97

أحسنوا جوار نعم الله لا تتقروا قهلاً زالت عن قوم فحادث إليهم.

قدر نعمتهای خدا را بدانید و آن را از خود مرانید زیرا کمتر ممکن است نعمتی از قومی زایل
شود و پس آنان باز گردد.

98

أَحْسُوا إِذَا وَلَّيْتُمْ وَأَعْفُوا عَمَّا مَلَكَتْكُمْ.

وقتی فرمان روائی یا قنیده به نیکی گزائید و زیر دستان خود را بچشید

99

احفظ الله تحده أمالك.

جانب خدا را نگهدار تا همیشه وی را روبرو بینی.

100

احفظ لسانک.

زبان خویش را نگهدار.

101

احفظ یامین بحبیب و یامین رجلیک.

دھان و فرج خویش را نگهدار.

102

احفظ و دأبیک لا تقطع فیظی اللہ نورک.

دوستی پدر خویش را حفظ کن ورشته آن را مبر که خداوند نور تو را خاموش میکند.

103

احفظ عورتک إلا من زوجتک أو ما ملکت یمنک. قيل إذا کان القوم بعضهم من

بعض قال إن استطعت أن لا یرینها أحد فلا یرینها قيل إذا کان أحدنا حالیا قال الله أحق

أن یرتبی منه من الناس.

عورت خویش را جز از همسر و کنیز خود مستور دار گفتند اگر کسان خوشاوندان یک دیگر

باشند؟ گفت اگر توانستی که هیچ کس آن را نبیند بهتر است که نه بیند گفتند اگر یکی از ما

تنها باشد گفت از خداوندش از مردم باید شرم کنند.

104

أحلّ الذّهب و المحریر لاناث اُمّتی و حرّم علی ذکورها.

طلا و ابریشم بر زنان امت من حلال است و بر مردان حرام

105

أخاف علی اُمّتی من بعدی ثلاثا: ضلالة الأهلواء و اتباع الشهوات فی البطن و الفروج

و الغفلة بعد المعرفة.

پس از خودم بر اتمم از سه چیزیم دارم، کراهی، هوسها و پیروی خواهشهای شکمها و فرجها و

غفلت پس از معرفت.

106

اختبروا الناس بأخدا نهم فإنّ الرّجل يحدون من يعجبه.

مردم را از معاشرانشان بشناسید زیرا کنند هم جنس باهم جنس پرواز.

107

أخذ الأمير الهدية سحت وقبول القاضى الرّشوة كفر.

هدیه گرفتن امیر نارواست و رشوه گرفتن قاضی کفر است

108

أخسر الناس صفته رجل أخلق يديه في آماله ولم يساعده الأيام على أمنية فخرج من الدنيا
بغير زاد و قدم على الله تعالى بغير حجة.

زیانکارترین مردم آن کس است که عمری بآرزو گذارند و روزگار وی را بمشغور نرساند و
از دنیای توشه برون رود و در پیشگاه خداوند دلیلی نداشته باشد.

109

أخشى ما خشيت على أمتي كبر البطن و مداومة النوم و الكسل و ضعف اليقين.

برامت خویش، بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی و پر خوابی و بیکارگی و بی ایمانی بیمناکم.

110

أخلص دينك يكفك القليل من العمل.

ایمان خویش را خالص کن که اندکی عبادت ترا کفایت کند.

111

أخلصوا أعمالكم لله فإن الله لا يقبل إلا ما خلس له.

اعمال خویش را برای خداوند از روی اخلاص انجام دهید، زیرا خدا فقط کارهایی را میپذیرد

که از روی اخلاص برای او انجام گرفته باشد

112

أخوف ما أخاف على أمتي كل منافق عليم اللسان.

بیش از هر چیز از منافقان و نابرامت خود بیم دارم.

113

إخوانکم خوکم جعلهم الله فیه تحت أیدیکم فمن کان أخوه تحت یدہ فلیطعمه من طعامه و

لیلبسه من لباسه ولا یكلفه ما یغلبه فان کلفه ما یغلبه فلیعنه.

بندگان شما برادران شما هستند که خداوند آنها را زیر دست شما قرار داده هر کسی برادری زیر

دستش باشد باید از غذای خود بدو بخوراند و از لباس خویش بر او پوشاند و کاری که بیش از

طاعت وی باشد بدو رجوع نکند و اگر کار سختی بدو رجوع کرد یاریش کند

114

أخوف ما أخاف على أمتي الهوى وطول الأمل.

برامت خویش بیش از هر چیز از هوس و آرزوی دوزیم دارم.

115

أدما اقترض الله تعالى عليك تكن من أعبد الناس واجتنب ما حرم الله عليك تكن

من أروع الناس وأرض بما قسمه الله لك تكن من أغنى الناس

واجبات خدا را بجای آرتا عبادترین مردم باشی، و از محرمات خدا سپر منیرتاپارساترین

مردم باشی به قسمتی که خدا برای تو تعیین کرده راضی باش تا بی نیازترین مردم باشی.

116

أَدْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ

خُدَارَا. بخوانید و با جابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب

غافل نمیگزیند.

117

أَوَّالَآئِهِ مِنْ أَيْمَنِكَ وَلَا تَخُنْ مِنْ خَائِنِكَ.

با کسی که تو را این میدانده امانت رفتار کن و با کسی که بتو خیانت کرده است خیانت

کن

118

أدبني ربّي فأحسن تأديبي.

خداوند مرا ادب آموخت و نیک آموخت.

119

إدءوا الحدود عن المسلمين ما استطعتم فإنّ الإمام لأن يحطى في العفو خير من أن يحطى في

العقوبة.

تا آنجا که می توانید مجازات ها را از مسلمانان باز دارید زیرا اگر پیشوائی در بخشش خطا کند بهتر

از آن است که در مجازات خطا کند.

120

إِذْءِ وَالْحُدُودِ بِالشَّهَاتِ وَأَقِيلُوا الْكِرَامَ عَشْرًا تَمَّ إِلَّا فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ

وقتی تردید پیش آمد مجازاتهارا بازدارید و لغزشهای بزرگان را بخشید مگر در کار حد و مجازات

121

أَدْنَى أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا يَتَغَلَّبُ نَارِغَلِينَ مِنْ نَارِغَلِي دَانِغَه مِنْ حَرَارَةِ نَعْلِي.

از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است دو کفش آتشین بپا دارد که مغزوی از

حرارت کفشهایش بجوش می آید.

122

أَدْنَى جَبَذَاتِ الْمَوْتِ بِمَنْزِلَةِ مَاءٍ تُضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ.

آسانترین کشهای مرک مانند صد ضربت شمشیر است.

123

إذا أبردتم إليّ بريدا فابعثوه حسن الوجه حسن الاسم

وقتی قاصدی پیش من میفرستید نیک صورت و نیک اسم بفرستید.

124

إذا بعثتم المعروف فاطلبوه عند حسان الوجوه.

اگر نیکي میخواستید آن را پیش نیک صورتان بجوئید.

125

إذا ابتلى أحدكم بالقضاء بين المسلمين فلا يقض وهو غضبان وليسويينهم في النظر والمجلس و

الإشارة.

اگر یکی از شما بکار قضاوت میان مسلمانان دچار شود باید به هنگام غضب از قضاوت

خودداری کند و میان ارباب دعوی در نگاه و شیمگاه و اشاره تفاوتی نگذارد

126

إذا أتى على يوم لا أزداد فيه علما يقربني إلى الله تعالى فلا بورك لي في طلوع الشمس ذلك

اليوم.

اگر روزی بر من بگذرد و در آن روز دانشی نیاموزم که مرا بخداوند نزدیک کند، طلوع
آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.

127

إِذَا تَى أَحَدُكُمْ خَادِمَهُ بِطَعَامٍ قَدْ كَفَاهُ عِلَاجَهُ وَدَخَانَهُ فَلْيَجْلِسْ مَعَهُ فَإِنْ لَمْ يَجْلِسْ مَعَهُ فَلْيَنْأُولِهِ أَكْلَةً
أَوْ أَكْلَتَيْنِ.

وقتی خادم شما غذائی می آورد که آن را تهیه کرده و دود آن را خورده بایدهی را با خوشتن
بنشانند و اگر او را نشانید یک یا دو لقمه باو بدهید.

128

إِذَا اتَى أَحَدُكُمْ أَهْلُ فَلَسْتَرٍ وَلَا يَجْرِدَانِ تَجَرَّدَ الْعَصِيرِينَ.

وقتی یکی از شما پیش کسان خود میرود خود را پوشاند و مانند شتران برهنه نباشند.

129

إِذَا آتَاكَ اللَّهُ مَالًا فَلْيَرِثْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَكَرَامَتَهُ.

اگر خداوند چیزی بتو داد باید نشان نعمت و کرم وی در تو پدیدار شود.

130

إِذَا آتَاكُمْ مِنْ تَرْضُونِ حَلَقَهُ وَدِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوا تَكُنْ قَتْلٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ عَرِضٌ.

وقتی کسی که خلق و دین وی مایه رضایت است بخواسگاری می آید بوی زن بدهید و اگر
چنین نکنید قتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد.

131

إذا آتاكم السائل فضعوا في يده ولو ظلفا محرقا.

وقتی سائلی پیش شما آمد چیزی بدو بدهید اگر چه یک قطعه سم سوخته باشد.

132

إذا آتاكم كريم قوم فأكرموه.

وقتی بزرگ طایفه ای پیش شما آمد او را بزرگ شمارید.

133

إذا أثنى عليك جيرانك أنك محسن فانت محسن وإذا أثنى عليك جيرانك أنك

مسيء فانت مسيء.

اگر همسایگان ترا نیکوکار دانستند نیکوکاری و اگر همسایه گانت تر ابدکار شمردند بدکاری

134

إذا اجتمع العالم والعابد على الصراط قيل للعابد أدخل الجنة وتعم بعبادتك وقيل للعالم

قف هنا فاشفع لمن أحبت فإنك لا تشفع لأحد إلا شفعت قمام مقام الأنبياء.

وقتی عالم و عابد بر صراط اجتماع کنند عابد گویند بهشت در آمی و از عبادت خویش بهر مند
شو و بعالم گویند اینجا نیست و برای هر که میخواهی شفاعت کن زیرا هر که را شفاعت کنی
شفاعت تو پذیرفته خواهد شد آنگاه عالم در صف پنجمبران میایستد.

135

إذا اجتمع الدّاعیان فأجب أقربهما باباً فإنّ أقربهما باباً أقربهما جواراً وإن سبق أحدهما فأجب
الذی سبق.

وقتی دو کس ترا با هم دعوت کردند دعوت کسیرا که خانه اش نزدیکتر است بپذیر زیرا آنکه
خانه اش نزدیکتر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است
دعوت او را بپذیر.

136

إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا بَلَّاهُ وَإِذَا أَحَبَّ الْبَلِغُ اقْتَنَاهُ قَالُوا مَا اقْتَنَاهُ قَالَ لَا يَتْرُكُ لَهُ مَالًا
لَا وَلَدًا.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد وی را مبتلا سازد و وقتی ویرا کاملاً دوست دارد او را

خاص خود سازد گفتند چگونه او را خاص خود می سازد گفت مال و فرزند می برای او باقی

نمیگذارد

137

إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا كَمَا يُظِلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَقِمَةَ الْمَاءِ.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد دنیا را از او منع میکند چنان که شما مریض خویش را از

نوشیدن آب منع میکنید.

138

إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا بَلَّاهُ لِيَسْمَعَ تَضَرُّعَهُ.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد ویرا بتلا سازد تا تضرع او را بشنود.

139

إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا قَذَفَ فِي قُلُوبِ الْمَلَائِكَةِ وَإِذَا أَبْغَضَ اللَّهُ عَبْدًا قَذَفَ بَغْضَهُ فِي

قُلُوبِ الْمَلَائِكَةِ ثُمَّ يَقْذِفُهُ فِي قُلُوبِ الْآدَمِيِّينَ.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد دوستی ویرا در دل فرشتگان جای میدهد و وقتی بنده

ای را دشمن دارد دشمنی او را در دل فرشتگان اندازد پس آن را در دل آدمیان جای

دهد،

140

إذا أحب أحدكم أخاه فليعلمه فإنه أبقي في الآلة وأثبت في المودة.

وقتی کسی آشنای خود را دوست دارد بدو خبر دهد که این کار موجب بقای الفت و دوام مودت است.

141

إذا أحييت رجلاً فلاتمازه ولا تجاره ولا تشاره ولا تسأل عنه أحد فحسى أن تواني له عدواً

فخبرك باليس فيه فيفرق ما بينك وبينه.

وقتی با کسی دوست شدی با او مجادله و رقابت مکن و بر او برتری مجو و از هیچ کس درباره او
چیزی پرس چه ممکن است به یکی از دشمنان او بر خوری و درباره وی سخن بخطا گوید و
میان شما را تفرقه اندازد.

142

إِذَا أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَعْلَمُوا مَا لِلْعَبْدِ عِنْدَ رَبِّهِ فَانْظُرُوا مَا يَتَّبِعُهُ مِنَ الثَّنَاءِ.

وقتی بخواید مقام بنده را در نظر خدا بدانید بنگرید که پشت سر او چه میگویند.

143

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّمَهُ فِي الدِّينِ وَزَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَبَصَّرَهُ عَمُوبَهُ.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد ویراد کار دین دانا و دنیایی اعتنا سازد و عمیوب ویرا

بدو بنماید.

144

إذا أراد الله بعد خیراً صیر حوائج الناس إلیه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد حاجت‌های مردم را در دست او قرار میدهد.

145

إذا أراد الله بعد الخیر عجل له العقوبة فی الدنیا وإذا أراد الله بعد الشرائک عنه بدنه

حتى یوفی به یوم القیامة.

وقتی خداوند برای بنده خویش نیکی خواهد کيفر او را در دنیا میدهد و وقتی برای او بد خواهد گناه
وی را میگذارد که در روز رستاخیز کيفر دهد.

146

إذا أراد الله بعد خيرا فتح له قفل قلبه و جعل فيه اليقين والصدق و جعل قلبه واعيا لما
سلک فيه و جعل قلبه سليما و لسانه صادقا و خلقة مستقيمة و جعل أذنه سمیعة و عینه بصيرة.
وقتی خداوند برای بنده ای خوبی خواهد قفل دل ویرا میکشاید و در آن ایمان و راستی قرار
میدهد و قلب وی را نسبت برقرار او هوشیار میازد دل وی را سلیم و زبانش را راستگو و
اخلاقش را مستقیم و گوش ویرا شنوا و چشمش را بینا میازد.

147

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا فَتَقَسَّمْ فِي الدِّينِ وَوَقِّرْ صَغِيرَهُمْ كَبِيرَهُمْ وَرَزَقَهُم الرِّفْقَ فِي
مَعِيشَتِهِمْ وَالْقَصْدَ فِي نَفَقَاتِهِمْ وَبَصِّرْهُمْ عِيُوبَهُمْ فَيَتَوَبُّوا مِنْهَا وَإِذَا أَرَادَ بِهِمْ غَيْرَ ذَلِكَ تَرَكَهُمْ هَمَلًا.
وقتی خداوند برای مردم خانه ای نیکی خواهد آنان را در کار دین دانا سازد و خورد سالانشان
سال - خوردگانیشان را محترم دارند.

مداراد معیشت و اعتدال در خرج را نصیب آنها سازد و عیوبشان را بآنها بنماید تا از آن
باز گردند و اگر برای آنها جز این خواهد. بخودشان واکذارشان کند.

148

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا دَلَّاهُمْ فِي الْعَمْرِ وَالْمَهْمِ الشُّكْرَ.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد عمرشان را و از روز بانشان را بشکر باز کند.

149

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ نَاءَ رِزْقِهِمُ السَّامَةِ وَالْعَافِ وَإِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ انْقِطَاعَ قَتْلِهِمْ بَابِ

انخاسته.

وقتی خدا بخواد قومی را بزرگ کند آنها را صاحب عفت و گذشت میکند و وقتی بخواد

قومی را مستقرض سازد در خیانت را برویشان میکشاید.

150

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ حُلُمًا هَمًّا وَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ عِلْمًا هَمًّا وَجَعَلَ الْمَالَ فِي سَحَائِهِمْ وَ

إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ شَرًّا وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ سَفَهًا هَمًّا وَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ جَهْلًا هَمًّا وَجَعَلَ الْمَالَ فِي بَخْلَائِهِمْ.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد خردمندانشان را بر آنها فرمانروا سازد و دانشمندان

میان آنها قضاوت کند و مال را بدست بخشندهگان دهد و وقتی برای قومی بدی خواهد

سفهیان را بر آنها فرمانروا سازد و نادانان میان آنها قضاوت کند و مال را بدست

بخیلانشان دهد.

151

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأُمَّةٍ خَيْرًا دَخَلَ عَلَيْهِمُ الرِّفْقُ.

وقتی خدا برای مردم خانه ای نیکی خواهد آنها را بامداد قرین سازد.

152

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ جَعَلْ أَمْرَهُمْ إِلَىٰ مُتْرَفِهِمْ.

وقتی خداوند برای مردمی بدی خواهد کارشان را بدست تجل - پرستان آنها می سپارد.

153

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَرْيَةٍ هَلَاكًا أَظْهَرَ فَمِمْ الزَّنا.

وقتی خدا، نخواهد مردم قریه ای را نابود سازد زیرا در میان آنها پیدی می آورد.

154

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ جَعَلَ لَهُ وَاعْطَا مِنْ نَفْسِهِ يَأْمُرُهُ وَيَنْهَاهُ.

وقتی خدا برای بنده ای نیکی خواهد و اعطی از نفس وی بر او عطا کرد که او را بکار نیک وادارد

و از کار بد باز دارد.

155

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ طَهَّرَهُ قَبْلَ مَوْتِهِ قَالُوا مَا طَهَّرَ الْعَبْدَ قَالَ عَمِلَ صَالِحًا يُلْهِمُهُ إِيَّاهُ حَتَّى يَقْبِضَهُ

عليه.

وقتی خدا برای بنده ای نیکی خواهد او را پیش از مرگش پاک میکند گفتند پایی بنده چگونه

است گفت کار نیکی بدو الهام می کند تا جان وی را در اثنای انجام آن بگیرد.

156

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ عَاتِبَهُ فِي مَنَامِهِ.

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را در خواب عتاب کند.

157

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ عَمَلَهُ قِيلَ وَمَا عَمَلُهُ قَالَ يَفْتَحُ لَهُ عَمَلًا صَاحِبًا قَبْلَ مَوْتِهِ ثُمَّ يَقْبِضُهُ عَلَيْهِ.

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را شیرین کند گفتند شیرینی او چگونه است گفت

پیش از مرگش کار نیکی را پیش پای او میگذارد و در آشنای انجام آن جانش را میگیرد.

158

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ اسْتِعْلَهُ قِيلَ وَمَا اسْتِعْلَاهُ؟ قَالَ يَفْتَحُ لَهُ عَمَلًا صَالِحًا مِنْ يَدَيْ مَوْتَةٍ حَتَّى

يَرْضَى عَنْهُ مِنْ حَوْلِهِ.

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را بکار گیرد گفتند بکار گرفتن او چگونه است
گفت نزدیک مرک وی کار نیکی را پیش پایش میگذارد تا اطرافیان را از او خوشنود کند.

159

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ ارْزَقَهُم الرِّفْقَ فِي مَعَايِشِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ بِهِمْ شَرًّا ارْزَقَهُمُ الْخُرْقَ فِي

مَعَايِشِهِمْ.

وقتی خداوند برای بندگان نیکی خواهد آنها را در کارهای زندگیشان با مدارا قرین سازد و هنگامی

که برایشان بدی خواهد آنها را با زیاده روی همراه کند.

160

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِالْأَمِيرِ خَيْرًا جَلَّ لَهُ وَزِيرٌ صَدَقَ إِنَّ نَسِيَّ ذَكَرَهُ وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ وَإِذَا أَرَادَهُ غَيْرَ

ذَلِكَ جَلَّ لَهُ وَزِيرٌ سَوَّاءٌ إِنَّ نَسِيَّ لَمْ يَذْكُرْهُ وَإِنْ ذَكَرَ لَمْ يَنْعُ.

وقتی خداوند برای امیر نیکی خواهد برای او وزیری راست و درست قرار میدهد که اگر

چیزی را فراموش کرد یادآوریش کند و اگر بیاد آورد در انجام آن یاریش کند و اگر برای

او جز این خواهد برای او زیر بدی قرار دهد که اگر چیزی را فراموش کرد یاد آوریش نکند و
اگر یاد آور دیارش نکند.

161

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا جَلَّ صَنَائِعُهُ وَمَعْرُوفُهُ فِي أَهْلِ الْحِفَاظِ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ شَرًّا جَلَّ
صَنَائِعُهُ وَمَعْرُوفُهُ فِي غَيْرِ أَهْلِ الْحِفَاظِ.

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد سروکار او با مردم حق شناس می افتد و موقعی که برای کسی
بدی خواهد سروکار او با مردم حق ناشناس می افتد.

162

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا جَلَّ غَنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَتَقَاهُ فِي قَلْبِهِ وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا جَلَّ فَقْرُهُ بَيْنَ

عَيْنَيْهِ

وَقَتِي خَدَّاءِ بَرَاءِ كَسِي نِكِي خَوَادِ شَرُوش رَادِ رُوحِش وَتَقَوَاش رَادِ قَلْبِش قَرَار مِيدِدِ وَوَقَتِي

بَرَاءِ كَسِي بَدِي خَوَادِ فَقَرِ رَاقِش چَشَمِ اَو جَای مِيدِدِ.

163

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا كَثَرَتْ فُقَهَاءُهُمْ وَأَقَلَّ جَهَالُهُمْ فَإِذَا تَكَلَّمَ الْفَقِيهَ وَجَدَ أَعْوَانًا وَإِذَا تَكَلَّمَ

الْجَاهِلَ قَرَّوْا إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ شَرًّا كَثَرَتْ جَهَالُهُمْ وَأَقَلَّ فُقَهَاءُهُمْ فَإِذَا تَكَلَّمَ الْجَاهِلَ وَجَدَ أَعْوَانًا

وَإِذَا تَكَلَّمَ الْفَقِيهَ قَرَّ.

وقتی خدا برای قومی نیکی خواهد دانایان آنها را زیاد و نادانها - ایشان را کم کند تا هنگامی که دانا سخن گوید یارش کنند و موقعی که نادان لب کشاید مغلوب گردد و وقتی برای قومی بد خواهد نادان ایشان را زیاد و دانایان آنها را کم کند تا هنگامی که نادان لب کشاید یارش کنند و وقتی دانا سخن گوید مغلوب گردد.

164

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَوْعِدَ عَبْدًا أَمْرًا عَلَيْهِ الْحِيلُ.

وقتی خداوند خواهد بنده ای را از یاد آورد راههای چاره را بر او ببندد.

165

إذا أراد الله خلق شيء لم يمنعه شيء.

وقتی خدا بخواد چیزی را بیافریند چیزی مانع او نمیشود.

166

إذا أراد الله قبض عبدًا مرض جعل له فيها حاجة.

وقتی خداوند بخواد بنده ای را در سرزمینی بمیراند برای وی در آنجا حاجتی پدید می آورد.

167

إذا أراد الله تعالى إغناء قضاة وقدره سلب ذوي العقول عقولهم حتى ينفذ فيهم قضاؤه و

قدره فإذا قضى أمره ردّ إليهم عقولهم و وقعت النّدامة.

وقتی خدا بخواد قضا و قدر خویش را اجرا کند عقل صاحب خردان را میگیرد و قضای
خویش را درباره آنها جاری میسازد، وقتی فرمان وی انجام گرفت عقولشان را باز پس
میدهد و پشیمانی رخ میدهد.

168

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَبِيعَ عَقَّارَهُ فَلْيُعْرِضْهُ عَلَى جَارِهِ.

وقتی کسی بخواد خانه یا ملک خویش را بفروشد باید نخست به همسایه خویش پیشنهاد کند.

169

إِذَا أُرِدْتَ أَمْرًا فَعَلَيْكَ بِالتَّوَدُّةِ حَتَّى يَرِيكَ اللَّهُ مِنْهُ الْخُرْجَ.

وقتی خواستی کاری را انجام دهی تأمل کن تا خدا راه آن را به تو نشان دهد.

170

إذا أردت أن يحبك الله فابغض الدنيا وإذا أردت أن يحبك الناس فامكان عندك
من فضولها فانبذه إليهم.

اگر میخواهی خدا ترا دوست دارد دنیا را دشمن دار و اگر می خواهی مردم ترا دوست دارند
آنچه از زواید دنیا داری پیش آن ها بریز.

171

إذا أردت أن تفعل أمراً قد برعاقبه فإن كان خيراً فامضه وإن كان شراً فانت.

وقتی در کاری تصمیم میگیری در نتیجه آن میندیش اگر نتیجه نیک است آن کار را انجام
بده و اگر بد است از آن درگذر.

172

إذا أردت أن تترك عيوب غيرك فاذكر عيوب نفسك.
وقتی میخواهی عیوب دیگران را یاد کنی عیوب خویش را یاد آر.

173

إذا أسأت فأحسن.
وقتی بدی کردی، بدی را بسوی محو کن.

174

إذا استأجر أحدكم أجيرا فليعلمه أجره.

وقتی یکی از شما کسی را مزدور می کند مزدش را با او بگوید.

175

إذا استشار أحدكم أخاه فليشر عليه.

وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند وی باید رأی خود را صریح بگوید.

176

إذا استشاط السلطان تسلط الشيطان.

وقتی سلطان بغضب آید شیطان تسلط یابد.

177

إذا استعطرت المرأة فمّرت علی القوم لیجدوا ریحها فی زانیه.

اگر زنی خود را معطر کند و بر مردمی بگذرد که بوی او را دریابند زناکار است.

178

إذا استکتم فاستکوا عرضا.

وقتی مسواک می کنید مسواک را بعرض دهان بکشید.

179

إِذَا أَسَأْتَ فَأَحْسِنْ فَإِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ.

وقتی بدی کردی بدنبال آن نیکی کن که نیکی ها بدیهار محو می کند.

180

إِذَا اشْتَكَكَ الْبُحْءُ فَعَلَيْكَ بِرَغِيفٍ وَجَرٍّ مِنْ مَاءِ الْقِرَاحِ وَقِلْ عَلَى الدُّنْيَا وَأَهْلِهَا مَنًى

الدَّارِ.

وقتی گرسنگی سخت شد نانی و جرعه آبی برگیر و جهان و هر چه در آنست کو مباش.

181

إِذَا اسْتَكْنَى الْمُؤْمِنُ أَخْلَصَهُ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا يَخْلُصُ الْكَبِيرُ خَبْثَ الْحَدِيدِ.

مصیبتی که بر مؤمن وارد می شود او را از گناهان پاک می کند چنان که کوره کثافت آهن را

پاک می سازد.

182

إِذَا أَصْحَبَ ابْنُ آدَمَ فَإِنَّ الْأَعْضَاءَ كُلَّهَا تَكْفُرُ لِلَّسَانِ قَقُولِ اتَّقِ اللَّهَ فَيُنَاقِنَا نَحْنُ بَك فَإِنْ

استقامت استقامنا و این اعضا حجت اعوججنا.

وقتی صبح فرارسد همه اعضای تن در مقابل زبان تعظیم کنند و گویند در باره ما از خدا ترس

زیرا صلاح کار ما بتو وابسته است، اگر باستقامت کرائیدی ما نیز باستقامت کرائیم و اگر

بکجی متایل شدی ما نیز کج شویم.

183

إِذَا أَعْطَى اللَّهُ أَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

وقتی خدا یکی از شما چیزی داد در صرف آن از خود و کسان خود آغاز کند.

184

إِذَا لَقِيَ الْمُسْلِمَانِ بَيْنَهُمَا قَتْلٌ أَحَدُهُمَا صَاحِبُهُ فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ قَالَ إِنَّكَ أَنْتَ حَرِيصٌ عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ.

وقتی دو مسلمان شمشیر دست بایک دیگر رو برو شوند و یکی از آنها دیگری را بکشد قاتل و
مقتول به جهنم میروند، گفتند ای پیغمبر خدا قاتل بجای خود مقتول چرا گفت برای آنکه
او نیز بکشتن دیگری راغب بود.

185

إِذَا أَلْقَى اللَّهُ فِي قَلْبِ امْرَأَةٍ خُطْبَةً امْرَأَةٌ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا.

وقتی خداوند خواستگاری زنی را بدل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد.

186

إِذَا أَمَّ أَحَدُكُمْ النَّاسَ فَلْيُخَفِّفْ فَإِنَّ فِيهِمُ الصَّغِيرَ وَالْكَبِيرَ وَالضَّعِيفَ وَالْمَرِيضَ وَذَا الْحَاجَةِ
وَإِذَا صَلَّى لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا يَشَاءُ.

وقتی کسی در نماز پیشوای مردم شد نماز را سبک کیرد که در میان کسان کوچک و بزرگ و بیمار
و ناتوان و حاجتمند هست و هر وقت برای خود نماز گذارد هر چه خواهد طول دهد.

187

إِذَا بَاتَتِ الْمَرْأَةُ مَاجِرَةً فَرَأَتْ زَوْجَهَا لَعْنَتَهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَصْبِحَ.

وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را بروز آورد و فرشتگان تا صبح او را لعنت کنند.

188

إِذَا تَطَيَّتِ الْمَرْأَةُ لَغَيْرِ زَوْجِهَا فَأَنَا مَوْنَارٌ وَشَارٌ.

وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش بکار برد مایه آتش و عار است.

189

إِذَا تَقَارَبَ الزَّوْجَانِ أَتَقَى الْمَوْتَ خِيَارَ أَمْتِي كَمَا يَتَقَى أَحَدُكُمُ خِيَارَ الرِّطْبِ مِنَ الطَّبَقِ.

وقتی آخر زمان فرارسد مرگ بیکان است مرا کلچین می کند چنان که شما خرماهای خوب را

از طبق انتخاب می کنید.

190

إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمُ فَلَیْطُرَ مَا تَمَنَّى فَإِنَّهُ لَا یَدْرِی مَا کَتَبَ لَهُ مِنْ أَمْنِیَّةٍ.

وقتی کسی آرزوی میکند مراقب باشد که چه آرزومی کند زیرا نمیداند که از آرزوی وی در

نامه اعمال چه مینویسند.

191

إِذَا تَمَّ فُجُورُ الْعَبْدِ مَلَكَ عَيْنِيهِ فُكْبَىٰ بِهَامَتِي شَاءَ.

وقتی بدکاری بنده کمال یابد چشمانش در اختیار او باشد و هر وقت بنحوا بدگریه آغاز کند.

192

إِذَا جَاءَ كُمُ الزَّائِرُ فَالْكُرْمُوه.

وقتی کسی ملاقات شما آمد ویرا کرامی دارید.

193

إِذَا جَاءَ كُمُ الْاَكْفَاءُ فَأَنْكَحُوهُنَّ وَلَا تَرْبِّصُوا بِهِنَّ اِحْدَثَانِ.

وقتی اشخاص همشان بنخواستگاری پیش شما آمدند دختران خود را بشوهر بدهید و در کار آنها منظر

حوادث مباشید.

194

إِذَا جَاءَ الْمَوْتُ بِطَالِبِ الْعِلْمِ مَاتَ وَهُوَ شَهِيدٌ.

وقتی مرگ طالب علم فرارسد شهید میمیرد.

195

إذا جامع أحدكم زوجته أو جاريته فلا ينظر إلى فرجها فإن ذلك يورث العمى.

وقتی یکی از شما با همسر یا مملوک خویش نزدیک شود بفرج او ننگرد که مایه کوری است.

196

إذا حاك في نفسك شيء فده.

وقتی دل تو از کاری چرکین است از آن چشم پوش.

197

إذا حدث الرجل بحديث ثم التفت فمى أمانته.

وقتی مردی سخنی گفت و به اطراف خود نگرست آن سخن در پیش شما امانت است.

198

إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِأَلٍ مِنْ غَيْرِ حَلَّةٍ قَالَ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ قَالَ اللَّهُ لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ
بِذَا مَرَدُّوهُ عَلَيْكَ.

وقتی کسی با مالی که حلال نیست حج رود هنگامی که گوید لبیک خدا یا لبیک، خدا گوید نه
لبیک و نه سعدیک این مابه توباز میگردد.

199

إِذَا حَسَدْتُمْ فَلَا تَبْغُوا وَإِذَا ظَنَنْتُمْ فَلَا تَحْقِقُوا وَإِذَا أَوْزَنْتُمْ فَارْجُوا.

وقتی دچار حسد شدید تعدی نکنید و وقتی گمان بر دید آن را حقیقت مپندارید و وقتی چیزی

را وزن میکنید چیزی بر آن بیفزائید.

200

إذا حکمت فاعد لواو إذا قلتم فأحسنوا فإن الله يحب المحسنين.

وقتی حکم می کنید به عدل رفتار کنید و وقتی سخن میگوئید نیک گوئید زیرا خدا نیک است

و نیکوکاران را دوست دارد

201

إِذَا خَافَ اللَّهُ الْعَبْدَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَإِذَا لَمْ يَخَفِ الْعَبْدَ اللَّهُ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ
كُلِّ شَيْءٍ.

وقتی بنده از خدای ترسد خداوند همه چیز را از او ترساند و اگر بنده از خدای ترسد خداوند
او را از همه چیز ترساند.

202

إِذَا خُطِبَ أَحَدُكُمْ الْمَرْأَةُ وَهُوَ يَخْضِبُ بِالسَّوَادِ فَلْيَعْلَمَنَّ أَنَّهُ يَخْضِبُ.

اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ میسندد باید بدو خبر دهد که موی خود را
رنگ می بندد.

203

إِذَا خِفْتُ الْحَظِيَّةَ لَا يَضُرُّ إِلَّا صَاحِبَهَا وَإِذَا ظَهَرْتُ فَلَمْ تَغَيِّرْ ضَرَّتِ الْعَامَّةُ.

وقتی کنایه مخفی بماند بجز کنه‌کار کسیرا ضرر نمیرساند و اگر آشکار شود و از آن جلوگیری نکنند

برای همه مردم زیان دارد.

204

إِذَا دَخَلَ الصَّيْفُ عَلَى الْقَوْمِ دَخَلَ بَرْزَقُهُ وَإِذَا خَرَجَ خَرَجَ بِمَغْفَرَةِ ذُنُوبِهِمْ.

وقتی میهانی بر کسان در آید روزی خود را همراه می آورد و وقتی برون رود با آمرزش گناهان

آنها برون رود.

205

إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُ: الْحَيَاءَ وَالْأَمَانَةَ وَالصَّدْقَ وَإِذَا لَمْ تَرَهُ فَلَا

تَرْجُ.

وقتی در برابر خود سه صفت دیدی بدو امیدوار باش، حیا و امانت و راستی و اگر این صفات را

ندارد از او امیدی نداشته باش.

206

إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مِنْ نَفْسِهِ أَوْ مَالَهُ أَوْ مِنْ أَخِيهِ مَا يَعْجَبُ فَلْيَدْعُ لَهُ بِالْبَرَكَاتِ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ.

وقتی یکی از شما از خود یا مال خود یا برادر خود چیز جالب توجیهی دید برای وی بدعا برکت خواهد
زیرا چشم حق است.

207

إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ قَدِ مَرَحَتْ عُمُودُهُمْ وَخَفَّتْ أَمَانَتُهُمْ وَكَانُوا هَكَذَا - وَشَبَّ بَيْنَ أُمَّلِهِ -
فَالْزِمْ يَتَكَ وَالْمَلَكَ عَلَيْكَ لِسَانُكَ وَخُذْ مَا تَعْرِفُ وَدَعْ مَا تَكُنُّرُ وَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ أَمْرِ
نَفْسِكَ وَدَعْ عَمَّا أَمْرَ الْعَامَّةِ.

وقتی دیدی که مردم پیمان هایشان سست شده و امانتشان سبکی گرفته و چنین شده اند - و
انگستان خود را از هم باز کرد در خانه خود. نشین و زبان خویش را نگهدار و آنچه را شناسی بگیر
و آنچه را نمی شناسی رها کن؛ بکار خویش مشغول باش و از کار مردم کناره گیر.

208

إِذَا رَأَيْتُمُ الْأَمْرَ لَا تَسْطِيعُونَ تَغْيِيرَهُ فَاصْبِرُوا حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَغْيِرُهُ.
وقتی دیدید نمی توانید چیزی را تغیر دهید صبر کنید تا خدا آن را تغیر دهد.

209

إِذَا رَأَيْتُمُ أَهْلَ الْجَمْعِ وَالْمُتَكَلِّفِينَ فَادْنُوا مِنْهُمْ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَجْرِي عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ.

وقتی اہل کر سکی و تفکر را دید با آنها نزدیک شوید زیرا حکمت بر زبان آنها جاری می شود.

210

إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ.

وقتی اہل بلا را دیدید از خداوند طلب عافیت کنید.

211

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعِبْدَ الْمُسْتَضْعِفَ الْفَقْرَ وَالْمَرَضَ فَإِنَّ اللَّهَ يُرِيدُ أَنْ يُصَافِيَهُ.

وقتی دیدید خداوند فقرو مرض را بر بنده اسی فرود آورد میخواید او را تصفیہ کند.

212

إِذَا زَنَى الْعَبْدُ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ فَكَانَ عَلَى رَأْسِهِ كَالْطَّلَّةِ فَإِذَا أُقْلِعَ رَجَعَ إِلَيْهِ.

وقتی بنده ای زنا کند ایمان از او بیرون رود و چون سایه ای بر سرش بایستد و هنگامی که از آن دست بردارد باز میگردد.

213

إِذَا سَبَّ رَجُلٌ بِلَا يَعْلَمُ مِنْكَ فَلَا تَسَبَّهُ بَلَّا تَعْلَمُ مِنْهُ فَيَكُونَ أَجْرُ ذَلِكَ لَكَ وَوَبَّالَهُ عَلَيْهِ.

اگر کسی ترا بداند چه از تو می داند دشنام گوید تو بدان چه از او میدانی ویرا دشنام مگوی تا ابر این کار نصیب تو نشود و وبال آن بدو باز گردد.

214

اِذَا سَرَّتَكَ حَسَنَتٌ وَسَاءَتْكَ سَيِّئَةٌ فَأَنْتَ مُؤْمِنٌ.

اگر از کار نیک خود خوشحال و از کار بد خود دلگیر شوی مؤمن هستی.

215

اِذَا سَمِعْتُمْ بِجَبَلٍ زَالٍ عَنْ مَكَانِهِ فَصَدُّوا وَاِذَا سَمِعْتُمْ بِرَجُلٍ زَالٍ عَنْ حَلْقِهِ فَلَا تَصَدُّوا فَاِنَّهُ

يَصْبِرُ اِلَى مَا جَبَلَ عَلَيْهِ.

اگر شنیدید کوهی از جای خود تکان خورده باور کنید و اگر شنیدید کسی از خوی خویش دست

برداشته باور نکنید زیرا عاقبت به فطرت خویش باز میگردد.

216

إذا شہر المسلم علی أخیه سلاحاً فلا تزل ملائکۃ اللہ تعالیٰ تلعنہ حتی یشیمہ عنہ.

وقتی مسلمان بر روی برادر خود شمشیر کشد فرشتگان اورا لعنت کنند تا ہنگامی کہ شمشیر را در

غلاف کند.

217

إذا طلب أحدکم من أخیه حاجۃ فلا یبدأہ بالمدۃ فیقطع ظہرہ.

اگر کسی از برادر خویش حاجتی میخواہد گفتار خود را بامح آغاز نکند و پشت اورا گران بار

نکند.

218

إِذَا ظَهَرَ الزَّنا وَالرِّبَا فِي قَرْيَةٍ تَقْدَأُ حُلُوبًا لِنَفْسِهِمْ عَذَابُ اللَّهِ

وقتی زناکاری و رباخواری در دهکده ای آشکار شود مردم آن عذاب خدا را بخود خریده

اند

219

إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتْ الرَّحْمَةُ وَإِذَا جَارَ الْحَكَّامُ قُلَّ الْمَطْرُ وَإِذَا غَدَرَ بَاطِلٌ الذِّمَّةُ ظَهَرَ

الْعَدْوُ.

وقتی زنا رواج گیرد زلزله پیدا شود، وقتی حاکمان ستم کنند باران کم شود و وقتی که با دشمنان خیانت شود دشمنان چهره شوند.

220

إذا علم العالم فلم يعمل كان كالمصباح يضيء للناس ويحرق نفسه.

دانشمندی که بداند و بکار نبندد مانند چراغ است که مردم را روشن کند و خود را بسوزد.

221

إذا عمل أحدكم عملاً فليتيقنه.

هر کس کاری میکند باید آن را خوب انجام دهد.

222

إِذَا عَلِمْتَ سَيِّئَةً فَأَحْدِثْ عِنْدَهَا تَوْبَةً، السِّرَّ بِالسَّرِّ وَالْعَلَانِيَةَ بِالْعَلَانِيَةِ.

وقتی کار بدی از تو سرزد از آن توبه کن برای گناه نهانی توبه نهانی و برای گناه آشکار توبه

آشکار.

223

إِذَا عَلِمْتَ الْخَطِيئَةَ فِي الْأَرْضِ كَانِ مِنْ شَهْدَاءِ فُلُوكِهَا كَمَنْ غَابَ عَنْهَا وَمَنْ غَابَ عَنْهَا

فرضیه‌ها کمان گمن شهدا.

وقتی کنایه دزدین رخ دهد کسی که آن را دیده ولی از آن متفر است، مانند کسیست که
آن را ندیده و کسی که آن را ندیده ولی از آن راضیست مانند کسیست که آن را دیده باشد.

224

إذا غضب أحدكم وکان قائماً فليقلع وإن كان قاعداً فليضطح.

وقتی یکی از شما خشمگین شود اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است بخوابد.

225

إذا غضبت فاسكت.

وقتی خشمگین شدی خاموش باش.

226

إذا قالت المرأة لزوجها ما رأيت منك خيرا قطّ فقد حبط علمها.

وقتی زنی بشوهر خود گوید از تو خیری ندیدم اعمال نیکش بی اثر می شود.

227

إذا قدرت على عدوك فاجعل العفو سكر اللقدرة عليه.

وقتی بر دشمن خود قدرت یافتی بگزارنه قدرت از او در گذر

228

إذا قدم أحدكم من سفر فليقدم معه بهديّة ولو يلقى في محلاة حجر.

وقتی کسی از سفری می آید از مخانی با خود بیاورد اگر چه سنگی در توبره خود میندازد.

229

إِذَا قَصَّرَ الْعَبْدُ فِي الْعَمَلِ ابْتَلاَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْحَمِّ.

وقتی بنده ای در عمل کوتاهی کند خداوند او را بنغم مبتلا سازد.

230

إِذَا كَانَ أَشْنَانٌ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا.

وقتی دو تن آهسته سخن می گویند میان آنها داخل مشو.

231

إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مَا يَكْفِيكَ فَلَا تَطْلُبْ مَا يَطْنِيكَ.

اگر چیزی که مایه کفایت باشد در دسترس داری در جستجوی آنچه ترا بطنیان و امیدارد مباش

232

إِذَا كَانَتْ أُمْرَاؤُكُمْ خِيَارَكُمْ وَأَعْيَاؤُكُمْ سَحَاءَكُمْ وَأُمُورُكُمْ سُورَىٰ مِثْلَكُمْ فَطَهِّرُوا الْأَرْضَ خَيْرَ لَكُمْ

مِنْ بَطْنِهَا وَإِذَا كَانَتْ أُمْرَاؤُكُمْ أَشْرَارَكُمْ وَأَعْيَاؤُكُمْ بَخْلَاءَكُمْ وَأُمُورُكُمْ إِلَىٰ نَسَاءِكُمْ فَطْنِ

الْأَرْضَ خَيْرَ لَكُمْ مِنْ طَهْرِهَا.

وقتی امرای شما نیکان شما باشند و ثروت مندان شما بخشندهگان باشند و کارها میان شما بمشورت

انجام گیرد پشت زمین از سگم آن برای شما بهتر است و وقتی امرای شما اشرار شما و

ثروتمندان شما بخیلان باشند و کارهای شما به دست زنان افتد شکم زمین برای شما بهتر از
پشت آنست.

233

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَىٰ مُنَادٌ مِنْ عَمَلٍ غَيْرِ اللَّهِ فليطلب ثوابه مِمَّنْ عَمِلَ لَهُ.
وقتی روز رستاخیزد آید بانگزننی بانگ میزند که هر کس کاری برای غیر خدا انجام داده
پاداش خود را از آن کس که برای او کار کرده بگیرد.

234

إِذَا كَانَتْ عِنْدَ الرَّجُلِ امْرَأَتَانِ فَلْيُعِدِلْ بَيْنَهُمَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَقَّةُ سَاقِطٍ.

وقتی مردی دوزن داشته باشد و میان آنها بعدالت رفتار نکند روز رستاخیز یک نیمه او

اقماده است

235

إذا كانوا ثلاثة فلا يتناجى اثنان دون الثالث.

وقتی سه تن باهمند دو تا شان آهسته باهم سخن نگویند.

236

إذا كنتم ثلاثة فلا يتناجى رجلان دون الآخر حتى تختلطوا بالناس فإن ذلك يحزنه.

وقتی سه تن باهمیدو تن از شما باهم آهسته سخن نگویند، تا بادیکران مخلوط شوید زیرا این کار
ویرا عملین می کند.

237

إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ فَلَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا تَكْفُرُ بِهِ ابْتِلَاهُ اللَّهُ بِأَحْزَنِ لِكَيْفَرُ بِهِ عَنْهُ.
وقتی کناهن بنده فزونی کسردو کار نیک آنقدر نداشته باشد که کناهن را جبران کند خداوند او
را بنعم مبتلا سازد تا کناهنش را جبران کند.

238

إِذَا لَمْ تَسْجُدْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ.

وقتی حیاضداری هرکاری خواهی بکن.

239

إذامات الإنسان انقطع علمه إلا من ثلاث صدقة جاریه أو علم یتفیع به أو ولد صالح یدعوله.

وقتی انسان بمسردناله کارهای نیک او بریده شود جز سه چیز صدقه جاری و دانشی که

کسان از آن بهره ور شوند و فرزند دست کاری که برای او دعا کند.

240

إذامات ولد العبد قال الله تعالى ملائکته قبضتم ولد عبدي؟ فيقولون نعم فيقول ماذا قال

عبدی؟ فيقولون حمدك واسترح فيقول الله ابوالعبدی میتانی ابحه وسموه میت احمد.

وقتی فرزند بنده ای بمیرد خداوند بفرشتگان گوید فرزند بنده مرا گرفتید؟ گویند آری گوید بنده من چه گفت؟ گویند ترا سپاس گزاشت و گفت همه ما متعلق به خدا، هستیم و بسوی او باز میگردیم خداوند گوید برای بنده من خانه ای در بهشت بسازید و آن را «خانه سپاسگزاری» نام نهید.

241

إِذَا مَاتَ صَاحِبُكُمْ فَدَعُوهُ لَا تَقْعُوا فِيهِ

وقتی کسی بمیرد ویرا بگذارید و از او بد نگویید.

242

إِذَامَاتِ الْعَبْدِ قَالَ النَّاسُ مَا حَلَفَ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ مَا قَدَّمَ

وقتی بنده ای بمیرد مردم گویند چه بجا گذاشت و فرشتگان گویند چه همراه آورد؟

243

إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْهُ.

وقتی کسی را که در مال و جمال از شما پیش است بینگرید بکسی که از شما پست تر است نیز

نظری بین کنید.

244

إِذَا هَمَمْتُ بِأَمْرٍ فَاسْتَخِرْ رَبَّكَ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ انْظُرْ إِلَى الَّذِي يُسَبِّحُ إِلَيَّ قَلْبَكَ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ.

وقتی بجاری تصمیم گرفتی هفت بار استخاره کن سپس بگردل توبه کدام طرف نگران است زیرا نیکی در آن است.

245

إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ نَصْحًا فِي نَفْسِهِ فَلْيَذْكُرْهُ لَهُ.

اگر کسی نصیحتی برای برادر خود در خاطر می باید باو یادآوری کند.

246

إِذَا وَسَدَ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْظُرِ السَّاعَةَ.

وقتی کار را بدست ناهلان سپارند شطر رستاخیز باش.

247

إِذَا وَقَعَ فِي الرَّجُلِ وَأَنْتَ فِي مَلَأٍ فَكُنْ لِلرَّجُلِ نَاصِرًا وَلِلْقَوْمِ زَاجِرًا وَقُمْ عَنْهُمْ.

وقتی در انجمنی که تو هستی درباره مردی بد میگویند آن مرد را یاری کن و آن گروه را از بد

کوئی بازدار و از آنجا بر خیز.

248

أَذْكُرُ اللَّهَ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لِّكَ عَلَى مَا تَطْلُبُ.

خداوند را یاد کن زیرا او در کارهای ما ورتو است.

249

أذكروا محاسن موتاكم وكفوا عن مساوئهم.

نیکوئی های مردگان خود را یاد کنید و از بدیهایشان چشم پوشید.

250

أذلّ الناس من أهنّ الناس.

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

251

أربع إذا كنّ فيك فلا عليك ما فاتك من الدنيا صدق الحديث وحفظ الأمانة وحسن

الخلق وعفة مطعم.

چهار چیز است که اگر داری بر آنچه نداری غم مخور: راستی گفتار و حفظ امانت و نیکی

خلق و عفت در کار خوراک.

252

أربعة قلبيها كثير: الفقر والوجع والعداوة والنار.

چهار چیز است که اندک آن بسیار است: بینوائی و درد و دشمنی و آتش.

253

أربعة يعضم الله تعالى: البائع الحلاف والفقير المحتال والشيخ الزاني والإمام الجائر.

چهار کس را خداوند دشمن دارد، فروشنده قسم خور، فقیر متکبر و پیرزناکار و پیشوای گمراه.

254

أربع حقّ على الله تعالى أن لا يدخلهم الجنة ولا يذيقهم نعمها: مدمن خمر و آكل الربا و آكل

مال اليتيم بغير حقّ والعاق لوالديه.

چهار کس را خداوند بهشت دنیار دوزخ نرساند، شرابخوار و رباخوار و آن کس که

مال یتیم بناحق خورد و آن کس که پدر و مادر از او ناشنود باشند.

255

أربع خصال من الثناء: حمود العين وقساوة القلب وبعد الأمل وحب البقاء.

چهار چیز نشان بدبختی است خشکی چشم و سختی دل و آرزوی دراز و حب بقا (میش از

حد لزوم)

256

أربع لايدخل ميتا واحدة منها إلا خرب ولم يعمر بالبركة: الخيانة والسرقة وشرب الخمر و

الزنا.

چهار چیز است که هر یک از آنها در خانه ای در آید خراب شود و بیکت آباد نگردد،

خیانت و دزدی و شرب خواری و زنا.

257

أربع من سعادة المرء أن تكون زوجته صالحة وأولاده أبراراً وخطاؤه صالحين وأن يكون

رزقه فی بلده.

چهار چیز نشان خوشبختی مرد است، زنش پارسا باشد و فرزندان نیکوکار باشند، و

معاشران صالح باشند و روزی خویش را در شهر خود بدست آورد.

258

أربع من كن فيه حرمه الله تعالى على النار وعصمه من الشيطان من ملك نفسه حين

یرغب وحين یرهب وحين یشی وحين یغضب.

چهار چیز است که هر که دارد خدایش بر آتش حرام و از شیطان حرام است کند آنکه بهنگام
رغبت و بهنگام بیم و وقت شهوت و موقع غضب عنان خویش از کف نکند.

259

أربع من أعطين قد أعطى خير الدنيا والآخرة لسان ذاكر و قلب شاكر و بدن على البلاء
صابر و زوجة لا تبغى خونا في نفسها و لا ماله.

چهار چیز است که هر کس از آن بهره دارد. از نیکی دو جهان بهره و راست، زبانی که یاد
خدا کند و قلبی که پاس پروردگار گذارد و تنی که بر بلا صبور باشد و زنی که بناموس و مال وی
خیانت نکند

260

أرَبِي الرَّبِّ أَشْتَمُ الْأَعْرَاضِ وَأَشَدَّ أَشْتَمُ الْهَجَاءِ وَالرَّأْيَةِ أَحَدُ الثَّائِمِينَ.

بدترین ربا، ناسزا می است که درباره عرض کسان گویند و سخت ترین ناسزا، هجو است و

کسی که هجاء را نقل کند یکی از ناسزاگویان است.

261

أَرْحَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ.

بآنه که در زمینند رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم کند.

262

ارحموا عزیزا ذلّ و غنیّا افتقر و عالماضاع بین جهال.

برسه کس رحم کنید، عزیزی که خوار شده و ثروتمندی که فقیر گشته و دانشمندی که میان

جاهلان گمنام مانده.

263

ارحموا ترحموا و اغفروا یغفر لکم.

کسان را رحم کنید تا بشمار رحم کنند و دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید.

264

ارفعوا السکتم عن المسلمین و اذمات احد منهم فقولوا فیه خیرا.

زبان خود را از بد کوئی مسلمانان باز دارید، اگر کسی مرد در باره او بیکی سخن گوئید.

265

أَرْقَأْكُمْ أَرْقَأْكُمْ فَأَطْعَمُوهُمْ مَّا تَأْكُلُونَ وَأَلْبَسُوهُمْ مَّا تَلْبَسُونَ وَإِنْ جَاءَ وَابْذَنْبَ لَا تَرِيدُونَ

أَنْ تَغْفِرُوهُ فَيُعَوِّدَ عِبَادَ اللَّهِ وَلَا تَعْذِبُوهُمْ.

بندگان خود را رعایت کنید هر چه میخورید با آنها بخورانید و هر چه می پوشید با آنها پوشانید و اگر

گناهی کردند که نمیخواهید بخشید آنها را بفروشید و عذابشان ندهید.

266

أَرْقَأْكُمْ إِخْوَانَكُمْ فَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ إِسْتَعِينُوهُمْ عَلَى مَا عَلَيْكُمْ وَأَعِينُوهُمْ عَلَى مَا غَلِبَهُمْ.

بندگان شمارادران شما هستند با آنها نیکی کنید آنها را در کارهای مثل خود کمک گیرید و آنها را

در کارهای مثل کمک کنید.

267

ارموا و اركبوا و ان ترموا احب الی من ان تركبوا كل شیء یلهو به الرجل باطل الا رمی

الرجل بقوسه أو تادیه فرسه أو ملاعبته امرأته فانهن من الحق ومن ترك الرمی بعد ما علمه

فقد كفر الذی علمه.

تیراندازی کنید و سواری کنید اگر تیراندازی کنید بیشتر دوست دارم که سواری کنید هر

چیزی که مرد بدان سرگرم شود یهودیه است جز آنکه مردی با کمان خود تیراندازی را سب

خود را تربیت کنی یا بازن خود بازی کنی همه اینها حق است و هر کس تیراندازی آموزد و
آن را ترک کند حق معلم خود را ادا نکرده است.

268

از به فی الدنیا یحبک الله و از به فیما فی ایدی الناس یحبک الناس.

از دنیا چشم پوش تا خدا ترا دوست دارد. و از آنچه در دست مردم است چشم پوش
تا مردم ترا دوست دارند.

269

از به الناس فی العالم اهل و جیرانه.

کسان و همسایگان مرد دشمنند از همه مردم نسبت باو بی رغبت ترند.

270

أزهد الناس من لم ينس القبر والبلاء وترك أفضل زينة الدنيا وأثر ما بقي على ما ينسى ولم
يعدّ خدا من أيامه وعد نفسه في الموتى.

زاهدترین مردم آن کس است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم
پوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در
ردیف مردگان شمارد.

271

استتمام المعروف خیر من ابتداء.

انجام دادن کار نیک بهتر از آغاز کردن آنست.

272

استحي من الله استحياءك من رجليين من صاحبي عشرتك

از خدا مانند دو تن از خویشان صالح خود شرمگین باش.

273

استحيوا من الله تعالى حق الحياء فإن الله قسم بينكم أخلاقكم كما قسم بينكم أروا قلم.

از خداوند چنان که باید آزرم داشته باشید زیرا خداوند اخلاق شما را سیر مانند روزیتان میان
شما تقسیم کرده است.

274

استحيوا من الله حق الحياء من استحي من الله حق الحياء فليحفظ الرأس وما وعى وليحفظ
البطن وما حوى وليذكر الموت والبلاء ومن أراد الآخرة ترك زينة الحياة الدنيا فممن فعل
ذلك فقد استحي من الله حق الحياء.

از خداوند چنان که شایسته است شرم کنید، هر که از خدا چنان که شاید شرم کند سر و
اعضای آن را از گناه نگیرد و شکم و متعلقات آن را از ناروا حفظ کند و مرکب و بلارا

بخاطر داشته باشد و هر که نعم آن جهان را خواهد زینت این جهان را ترک کند و هر که چنین کند از خدا چنان که باید شرم کرده است.

275

استرشدوا العاقل ترشدوا ولا تعصوه فتذموا.

از خردمند رهبری جوئید تا براه راست برسید و وی را نافرمانی نکنید که پشیمانی برید.

276

استعد للموت قبل نزول الموت.

پیش از آنکه مرگ در آید برای آن آماده باش.

277

استغذوا بالله من شرّ جار المقام فإنّ جار المسافر اذ انشاء أن يرايل زایل.

از شرّ همسایه مقیم، بخدا پناه برید زیرا همسایه مسافر اگر خواهد از او برکنار شود، برکنار شود.

278

استغذوا بالله من الفقر والعيلة ومن أن تظلموا أو تظلموا.

بخدا پناه برید از فقر و عیالندی و اینکه ظلم کنید یا تحمل ظلم کنید.

279

استغذوا بالله من شرار النساء وكونوا من خيارهنّ في حذر

از زمان بد بخدا پناه برید و از نیکانشان پرسنید.

280

استعینوا بالله من العین فان العین حق.

از چشم بد بخدا پناه برید زیرا چشم حق است.

281

استعینوا علی امورکم بالکتمان فان کل ذی نعمه محدود.

بوسیله پرده پوشی بر انجام کارهای خودیاری جوئید زیرا هر که نعمتی دارد محدود گساست.

282

استعینوا علی النساء بالعرى فإنّ احداهنّ اذا کثرت ثیابها و احسنت زینتها أعجبها الخروج.

از بی لباسی برای نگهداری زنان کجک جوئید زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت

کامل دارد مایل به بیرون رفتن است.

283

استغنوا عن الناس ولو بثوب السواک.

از مردم بی نیاز باشید و یک قطعه چوب مسواک هم از آن ها نخواهید.

284

استفت نفسك وإن أفتاک المفتون.

نیکي و بدی چیزها را از دل خویش بپرس، دیگران هر چه میخواهند بگویند

285

استقم و لیکن خلک للناس

استوار باش و رفتار خویش را درباره مردم نیک ساز.

286

استقیموا و نعمان استقیم.

استوار باشید و چه نیکست که استوار باشید.

287

استوصوا بالنساء خيرا فإن المرأة خلقت من ضلع أعوج وإن أعوج شيء في الصلح أعلاه

فإن ذمت تقسيمه كسرة وإن تركته لم يزل أعوج فاستوصوا بالنساء خيرا.

بازمان. بیکی رفتار کنید زیرا زن از دهن کج خلق شده است و در دهنه آنچه کجتر است

بالا تر است و اگر بخوابید راستش کنید آن را می شکنید و اگر رهائش کنید کج میماند. پس با

زنان. بیکی رفتار کنید.

288

استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبكم.

با یک دیگر برابر شوید و مختلف مشوید تا دلهایتان مختلف نشود.

289

استو استو قلوبکم و تما استوا تراحموا.

با یک دیگر برابر شوید تا دلها یکتا شود و با یک دیگر آفرینش کنید تا بهم رحم کنید.

290

أسد الأعمال ثلاثة ذكر الله على كل حال والإصاف من نفسك ومواساة الأخ في المال

استوارترین کارها سه چیز است یاد خداوند در همه حال و رعایت انصاف بر ضرر خویش و

تقسیم مال با برادر دینی.

291

أسرع انخير ثواب البر و صلة الرحم و أسرع الشر عقوبة البغى و قطيعة الرحم.

پاداش نیکوکاری و پیوند خویشاوندان از نیکی های دیگر زودتر میرسد و کیفر ستمکاری و

بریدن از خویشاوندان از بدی های دیگر سریعتر میرسد

292

أسرع الدعاء إجابة دعاء غائب لغائب.

دعائی که غایبی برای غایبی دیگر کند از همه دعاها زودتر مستجاب می شود.

293

اسمح یسمح لك.

با کسان سهل انکاری کن تا با تو سهل انکاری کنند.

294

اَشَدَّ غَضَبِ اللَّهِ عَلَى مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مُلْكُ الْأَمْلاَكِ لَا مَلِكَ إِلَّا اللَّهُ

خشم خدا بر آنکه گمان می کند ملک ملکان است بسیار سخت است ملکی جز خدا نیست.

295

اَشَدَّ غَضَبِ اللَّهِ عَلَى الزَّانَاةِ

خشم خدا نسبت بزناکاران بسیار سخت است.

296

اشدی از مته سقر جی.

وقتی کار بنهایت سختی رسید راه چاره پیدا می شود.

297

اشد غضب الله علی امرأة ادخلت علی قوم ولد الیس منهم یطلع علی عوراتهم ویشرکم
فی أموالهم.

زنی که فرزندی «بخطا پیدا آورد» و بر خانواده ای در آورد که بناحق محارم آنها را ببیند و در
اموالشان شرکت کند خشم خدا نسبت بوی بسیار سخت است.

298

أشد غضب الله على من ظلم من لا يجد ناصرا غير الله

آن کس که بر مینوایی که بجز خدا پناهی نداردستم میکند خشم خدا نسبت باو بسیار سخت
است

299

أشجع الناس من غلب هواه.

شجاعترین مردم آن کس است که بر هوس خویش تسلط یابد.

300

أشد الناس عذابا يوم القيامة إمام جائر.

روز رستاخیز عذاب پیشوای سنگتراز همه کس سختتر است

301

أشدّ النَّاسُ بلاءَ الأنبياءِ ثمَّ الأمثل فالأمثل يمتلي الرَّجلُ على حسب دينه فإن كان في دينه صلبا اشتدَّ بلاؤه وإن كان في دينه رقة ابتلي على قدر دينه فما يبرح البلاء بالعبد حتى يتركه يمشي على الأرض وما عليه خطيئة.

ابتلائی پیغمبران از همه مردم سخت تر است و پس از آن هر که با آنها نزدیکتر باشد، مرد
باندازه قوت دین خود بلا می بیند اگر دین او محکم باشد ابتلائی او سخت است و اگر دین او
سست باشد باندازه دین خود بلا می بیند بلا بر بنده فرو می آید تا همه گناهان او را پاک کند.

302

أشدّ النَّاس عذاباً للنَّاس في الدُّنْيَا أَشدّ النَّاس عذاباً عند الله يوم القيامة.

آنکه در دنیا مردم را بیشتر آزار کند در روز رستاخیز پیش خدا از همه مردم عذاب وی سخت تر است.

303

أشدّ النَّاس عذاباً يوم القيامة من يرى النَّاس أنَّ فيه خيراً ولا خيراً فيه.

در روز رستاخیز از همه مردم عذاب آن کس سخت تر است که مردم گمان میکنند خیری در او هست ولی خیری در او نیست.

304

أشدّ الناس عذاباً يوم القيامة عالم لم ينفعه علمه.

روز رستاخیز عذاب دانشمندی که از دانش خود بهره نمی برد از همه مردم سخت تر است.

305

أشدّ الناس حسرة يوم القيامة رجل أكله طلب العلم في الدنيا فلم يطلبه ورجل علم علماً

فاتفّع به من سمعه منه دونه.

دو کس روز رستاخیز از همه مردم بیشتر حسرت میخورند یکی مردی که در دنیا برای طلب
دانش فرصت داشته ولی به جستجوی آن برخاسته است یکی دیگر مردی که دانشی بدیگری
آموخته و ساگر دوی از آن بهره مند شده ولی او بی بهره مانده است.

306

أشدكم من ملك نفسه عند الغضب وأحكم من عفى بعد المقدرة.

نیرومندترین شما کسی است که هنگام غضب بر خود تسلط داشته باشد و بدبارترین شما کسی
است که پس از قدرت از گناه کسان درگذرد.

307

أشرف الإيمان أن يأمنك الناس وأشرف الإسلام أن يسلم الناس من لسانك و
يدك.

بهترین ایمان آنست که مردم از تو در امان باشند و بهترین اسلام آنست که مردم از
دست و زبان تو سلامت مانند.

308

أشرف الزهد أن يسكن قلبك على ما رزقت وإن أشرف ما سأل من الله عز وجل
العافية في الدين والدنيا.

بهترین زهد آنست که از آنچه داری خوشد باشی و بهترین چیزی که از خدا توان خواست
عافیت دین و دنیا است.

309

أشعر كلمة تكلم بها العرب كلمة لبید: ألاكّل شیء ما خلا الله باطل.

بهترین شعری که عرب گفته سخن لبید است که گوید بجز خدا همه چیز باطل است.

310

اسفقوا تمجدوا و توجروا.

مهربان باشید تا شمار ستایش کنند و پاداش یابید.

311

أَشْقَى الْأَشْقَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ

از همه بدبختان بدبخت تر کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

312

أَشْكُرُ النَّاسَ أَشْكُرُهُمُ لِلنَّاسِ.

از همه مردم سپاسگزار تر آن کس است که بهتر سپاس مردم را می گزارد.

313

أَشِيدُوا النَّحاحَ وَأَعْلَنُوهُ.

عقد نکاح را محکم کنید و آن را علنی سازید.

314

أصابكم قته الضراء فصبرتم وإنَّ أخوف ما أخاف عليكم قته السراء من قبل النساء
إذا تورن الذهب ولبس ربط الشام وعصب اليمين وأتعبن الغنى وكلفن الفقير ما لا

يحب.

قته سخت را دیدید و صبر کردید و من از قته ای سخت تر بر شما بیم دارم که از طرف
زنان می آید هنگامی که انگوی طلا بدست و پارچه های فاخر بپوشید و توانگران را بر حمت
اندازند و از فقیر چیزی که بدان دسترس ندارد بخواهند.

315

أصدق الرؤيا بالأسحار.

راست ترین خوابها را در سحرگاه توان دید.

316

أصرم الأحمق.

با احمق آموزش ممکن.

317

أصلح الناس أصلحهم للناس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر است.

318

أصلح بين الناس ولو تعنى الكذب.

میان مردم را با صلاح آرا کر چه بادوغ باشد.

319

أصلحوا دنياكم وأعلوا آخرتكم كأنكم تموتون غدا.

دنایای خویش را اصلاح کنید و برای آخرت خویش بکوشید چنان که گویی فردا خواهید مرد،

320

اصنع المعروف إلی من هو أهلك وإلی غیر أهلك فإن أصبت أهلك أصبت أهلك وإن لم
تصب أهلك كنت أنت أهلك.

با آن کس که سزاوار نیکی است و آن کس که سزاوار آن نیست نیکی کن، اگر نیکی تو
بابل آن رسید چه بهتر و گرنه تو خود ابل آن هستی.

321

أضمنوا لی ما من أنفسکم أضمن لكم أجبته أصدقوا إذا حدّثتم وأوفوا إذا وعدتم وأدّوا إذا
أتمنتم واحفظوا فروجکم و غصّوا أبصارکم و كفّوا أيديکم.

شش چیز را از طرف خود برای من تعهد کنید تا من بهشت را برای شما تعهد کنم وقتی
سخنی می گوئید راست گوئید و وقتی وعده می دهید وفا کنید. وقتی امانت به شما سپردند رد کنید،
خوشتن را از آزمیزشهای ناپاک حفظ کنید، چشمهای خود را «از نگاههای ناروا» ببندید و
دست خویش را «از اعمال ناپسند» نگهدارید.

322

اَضْمَوَالِي سِتِّ خِصَالٍ اُضْمِنُ لَكُمْ اِجْتِهًا لَا تَطَالُمُوْا عِنْدَ قِسْمَةِ مَوَارِيْثِكُمْ وَاَنْصَفُوا النَّاسَ مِنْ
اَنْفُسِكُمْ وَلَا تَجْبُوْا عِنْدَ قِتَالٍ عَدُوْكُمْ وَلَا تَغْلُوْا غِنَاكُمْ وَاَمْنَعُوا طَاكُمُ مِنْ مَّظْلُوْمِكُمْ.

شش صفت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم، هنگام تقسیم ارث
بیکدیگر سهم نکنید؛ با مردم به انصاف رفتار کنید و هنگام جنگ با دشمن ترسان نباشید و در
غنایم خیانت نکنید و ظالم را از مظلوم دفع کنید.

323

اطلبوا الرزق فی خبايا الأرض.

روزی را در نهانگاههای زمین بجوئید.

324

اطلبوا العلم ولو بالصّين فإنّ طلب العلم فريضة على كلّ مسلم إنّ الملائكة ترفع أجنحتها
لطالب العلم رضا بما يطلب.

دانش را بجوئید اگر چه در چین باشد زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و
فرشتگان بال خویش را برای طالب علم پهن می کنند زیرا از آنچه وی در طلب آنست
خشنود هستند.

325

اطلبوا الحوائج بعزّة الأنفس فإنّ الامور تجري بالمقادير.
حوائج خویش را با عزّت نفس بجوئید زیرا کارها بجهت جریان مقدر دارد،

326

أطلب العافیه لغیرک ترزقها فی نفسک.

عافیت را برای دیگران بخواه تا نصیب تو شود.

327

اطلبوا العلم من المهد إلى المهد.

از گهواره تا کور دانش بجوئید.

328

أطعموا طعامکم الا تقیاء وأولوا معرو فکم المؤمنین.

غذای خود را به پرستارگان بخورانید و نیکبای خود را در باره مؤمنان انجام دهید.

329

اطلبوا الفضل عند الرّحماء من أمّتی تعشوا فی أکنافهم ولا تطلبوه من القایة قلوبهم.

بزرگواری را در پیش رحمان امت من بجوئید و در پناه آنها زندگی کنید و آن را از سنگ

دلان مجوئید.

330

اطلع فی القبور واعتبر بالشور.

در قبرها بنگر و از رستاخیزند آموز

331

أُطْلِعْتُ فِي الْحَجَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءَ وَأُطْلِعْتُ فِي النَّارِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا النِّسَاءَ.

در بهشت نکریتم و دیدم که بیشتر مردم آن فقیرانند و در جهنم نکریتم و دیدم که بیشتر

مردم آن زنانند.

332

أَطِيبَ الْكُسْبُ عَلَى الرَّجُلِ بِيَدِهِ.

بهترین کسب آنست که مرد با دست خود کار کند.

333

أطيب كسب الرجل المسلم سهمه في سبيل الله

بهترین کسب مرد مسلمان تیری است که در راه خدا میاندازد

334

أطيب الطيب المسك.

بهترین بوی خوش مشک است.

335

أعبد الله كأنك تراه فإن كنت لا تراه فإنه يراك.

خدای را چنان پرستش کن که گوی او را می بینی اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند.

336

اعْتَبِرُوا الصَّاحِبَ بِالصَّاحِبِ.

یار را بیا رتوان سنجید

337

أَعْجز النَّاسُ مِنْ عَجْزِ عَنِ الدُّنْيَا وَأَعْجز النَّاسُ مِنْ بَخْلِ بِالسَّلَامِ.

عاجزترین مردم آن کس است که از کار دنیا عاجز ماند و بخیل ترین مردم آن کس

است که در ادای سلام بخیل ورزد.

338

أعدى عدوك نفسك التي بين جنبك.

خطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو است.

339

أعدى عدوك زوجتك التي تضاحك وملكك يمينك.

خطرناکترین دشمن تو، همسر تو است که با تو، بمخوابه است و مملوک تو.

340

أعدل الناس من رضى للناس بإرضى لنفسه وكره لهم ما كره لنفسه.

عادتر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندد برای مردم نپسندد و آنچه بر خود روا

ندارد بر مردم روا ندارد

341

اعدلوا بین اولادکم بالنحل كما تحبون أن يعدلوا بینکم فی البر واللطف.

شما که میخواهید فرزندانان در نیکی و محبت با شما بعدالت رفتار کنند در کار بخشش با آنها

بعدالت رفتار کنید.

342

أعذر الله إلى امرئ آخر أجله حتى بلغ ستين سنة.

هر کس را خداوند تا شصت سال زنده نگذارد و در عذر راه روی او بسته است.

343

أَعْرُوا النِّسَاءَ يَلْزَمُنَ الْحِجَالَ.

زنان را بی لباس بگذارید تا در خانه بمانند.

344

أَعْرَأْمَرَ اللَّهِ يَغْزِكَ اللَّهُ.

کار خدا را عزیز دار تا خدایت عزیز کند.

345

أعزل الأذى عن طريق المسلمين.

مانع از راه مسلمانان دور کن.

346

أعطى ولا توكئ فوقاً عليك.

بخش و تنگ مگیر کہ بر تو تنگ گیرند.

347

أعط السائل ولو جاءك على فرس وأعط الأجير حقه قبل أن يبغى عرقه.

به کد اخیری بده و کر چه بر اسب بنزد تو آمد و مزد اجیر را پیش از آنکه عرقش خشک شود

پرواز.

348

أعطيت جوامع الكلم واختصر لي الكلام اختصارا.

کلمات جامع و پر معنی را بمن بخشیدند و سخن برای من پیچیده و مختصر شد.

349

أعظم العبادة أجزاؤها.

پراجرترین عبادت ها آنست که نهایتر باشد.

350

أَعْظَمُ النَّاسِ هَآءِ الْمُؤْمِنُ يَهْتَمُّ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ وَأَمْرِ آخِرَتِهِ.

مؤمن از همه مردم گرفتار تر است زیرا باید بکار دنیا و آخرت هردو برسد.

351

أَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا وَأَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ أُمُّهُ.

شوهر از همه کس بیشتر بر زن حق دارد و مادر از همه کس بیشتر بر مرد حق دارد.

352

أَعْظَمُ إِحْطَايَا اللِّسَانِ الْكَذِبُ.

سرکناهن، زبان دو غمخوار است.

353

أَعْظَمُ الظُّلْمِ ذِرَاعٌ مِنَ الْأَرْضِ يَنْقُصُهُ الْمَرْءُ مِنْ حَقِّ أَخِيهِ لَيْسَتْ حِصَاةٌ أَخْذُهَا إِلَّا طَوَّعَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

بزرگترین ستمها آنست که مردی یک ذراع زمین از حق برادر خویش بکسرد، هر یکمی که بدین طریق در تصرف او درآید روز رستاخیز در کردن او طوقی می شود

354

أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا.

در دنیا قدر کسی بیشتر است که دنیا در نظرش قدر ندارد

355

أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَنْفَعُهُ.

عالمی قدر از همه مردم کیست که در آنچه بدو مربوط نیست مداخله نکند.

356

أَعْظَمُ النِّسَاءِ أَحْسَنُ وَجْهًا وَأَرْضَمُ مَهْرًا.

بهترین زنان آن است که رویش خوبتر و مهرش کمتر است

357

اعظم النساء بركة أقلهن مؤنة.

از همه زنان پربرکت تر آنست که خرجش کمتر باشد.

358

أعقل الناس أشدهم مداراة للناس.

عاقلتر از همه مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

359

اعملها وتوكل.

زانوی شتر را ببند و توکل کن

360

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

دانشمندتر از همه مردم کسی است که دانش دیگران را بدانش خود بیفزاید.

361

اعلم أنَّ الخلائق لو اجتمعوا على أن يعطوك شيئاً ولم يرِ الله أن يعطيكم لم يقدروا عليه أو

يصرِفوا عنك شيئاً أراد الله أن يصيبكم به لم يقدروا على ذلك فإذا سئلت فاسأل الله

وإذا استغث فاستعن بالله

بدان کہ اگر جهانیان بخوانند چیزی بتوبہ مند و خداوند نخواهد نمیتوانند و اگر جهانیان بخوانند

چیزی را کہ خداوند برای تو خواستہ از تو منع کنند نمیتوانند بنا بر این وقتی چیزی میخواهی از

خدا بخواه و وقتی کمک می جوی از خدا بجوی

362

اعلم أنّ ما أصابك لم يكن ليخطأك وما أخطأك لم يكن ليصيبك.

بدان کہ آنچه بتو رسیدہ ناچار میرسد و آنچه از تو فوت شدہ بناچار فوت میشد.

363

اعلم أنّ النّصر مع الصّبر وأنّ الفرج مع الكرب وأنّ مع العسر يسرا.

بدان که ظفر قرین صبر است و کشایش قرین رنج و بدنبال سختی سستی ای هست.

364

اعلم أنّ القلم قد جری باهو کائن.

بدان که قلم تقدیر، بر همه شدنهارفته است.

365

اعلم أنّ لیس منکم من أحدٍ إلا مال وارثه أحبّ إلیه من ماله. مالک ما قدمت و مال

وارثک ما أخرت.

بدانید که همه شما مال وارث خویش را از مال خویش بیشتر دوست دارید. مال تو آنست که

از پیش میفرستی و مال وارث آنست که بجا میگذاری.

366

أعمار أمتي ما بين الستين إلى السبعين.

عمرهای امت من میان شصت و هفتاد سال است.

367

اعل عمل امرئ يظن أنه لن يموت أبدا و احذر حذر امرئ يخشى أن يموت غدا.

چنان کار کن که کوئی هیچ وقت نخواهی مرد و چنان بیمناک باش که کوئی فردا نخواهی مرد.

368

اعملوا نكل ميّر لما خلق له.

کار کنید زیرا هر کسی آنچه را برای آن ساخته شده بدست می آورد.

369

الأعمال بالنّيّة.

کارها وابسته به نیت است

370

أعینوا أولادکم علی البر من شاء إستخرج العتوق من ولده.

فرزندان خود را در خوب شدن کجک کنید زیرا هر که بخواید می تواند نافرمانی را از فرزند خود

بیرون آورد.

371

أعطي الناس عندي مؤمن خفيف الحاذق و حظ من صلاة و كان رزقه كفافاً فصر عليه حتى

يلقي الله و أحسن عبادة ربّه و كان غامضاً في الناس عجلت منيته و قلّ تراثه و قلت بواكبه.

خوشبخت ترین مردم در نظر من مؤمنی است که متعلقش کم و از نماز بهره ور باشد،

روزی او بحد کفاف باشد و با آن بسازد تا بخدای خویش برسد، خدای را به خوبی پرستش کند

و در میان مردم کمنام باشد، وقتی مرگش برسد ارشش کم باشد و کریندگانش انگشت شمار باشند.

372

اعنم خماس قبل خمس شباب قبل هرمک و صحتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و فراغک قبل شغاک و حیاتک قبل موتک.

نچ چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و ثروت پیش از نیازمندی و فراغت پیش از اشتغال و زندگی پیش از مرگ

373

اعْتَمُوا الدَّعَاءَ عِنْدَ الرِّقَّةِ فَإِنَّهَا رَحْمَةٌ.

بهنگام رقت دعا را غنیمت شمارید که رقت بایه رحمت است

374

اعْتَمُوا دَعْوَةَ الْمُؤْمِنِ الْمُبْتَلَى.

دعای مؤمن مبتلا را غنیمت شمارید.

375

أَعِدْ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَعْمًا أَوْ مُحِبًّا وَلَا تَكُنْ الْحَامِسَةَ فَتَهْلِكَ.

دانشمند باش یا دانش آموز یا مستمع یا دوستدار علم و پیغمبی مباش که هلاک خواهی شد.

376

أَعْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ - الْعِدَّةَ بَرَكَةٌ وَنَجَاحٌ.

در طلب علم زود خیز باشید زیرا زود خیزی مایه برکت و کام یابی است.

377

اغسلوا ثيابكم وخذوا من شعوركم واستاكوا و تزيّنوا و تطفئوا فإنّ بني إسرائيل لم يكونوا يفعلون

ذلك فزنت نسأؤهم.

لباسهای خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید زیرا

یهودان چنین نکردند و زنا نشان زناکار شدند.

378

اغفر، فإن عاقبت فعاقب بقدر الذنب واثق الوجه.

گناه کسان را بخش و اگر مجازات میکنی بقدر گناه مجازات کن و صورت را میازار.

379

اغفل الناس من لم يتعب بتغيير الدنيا من حال إلى حال.

غافلتر از همه مردم کسی است که از تغییر احوال جهان پند نکیرد

380

اغنى الناس من لم يكن للمحرص أسيرا.

بی نیاز تر از همه مردم کسی است که در بند آزر نباشد.

381

أَفْشُوا السَّلَامَ يَسْكُمُ تَحَابُّوْا.

سلام را آشکار کنید تا رشته دوستی شما استوار شود.

382

أَفْشُوا السَّلَامَ تَسْلِمُوْا.

سلام را آشکار سازید تا سلامت مانید.

383

أَفْشُوا السَّلَامَ وَأَطْعَمُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسَ نِيَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
بِسَلَامٍ.

سلام رافاش کنید و طعام بخورانید، با خویشاوندان الفت گیرید و هنگام شب که مردم در
خوانند نماز بخوانید تا وارد بهشت شوید.

384

أَفْضَلُ الْأَصْحَابِ مَنْ إِذَا ذُكِرْتَ أَعَانَكَ وَإِذَا نُسِيتَ ذَكَرَكَ.

بهترین دوستان کسی است که وقتی یاد کردی ترا یاری کند و وقتی فراموش کردی ترا یاد
آرد.

385

أفضل الأعمال ثلاثة:

التواضع عند الدولة والعفو عند القدرة والعطيّة بغیر المنة.

بهترین کارها سه چیز است، تواضع بهنگام دولت و عفو بهنگام قدرت و بخشش بدون منت.

386

أفضل الأعمال أن تدخل على أخيك المؤمن سروراً أو تقضى عنه ديناً.

بهترین کارها آنست که برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا قرض او را سپرداری.

387

أفضل الأعمال بعد الإيمان بالله التودد إلى الناس.

بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است.

388

أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

بهترین کارها کسب حلال است.

389

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْعِلْمُ بِاللَّهِ إِنَّ الْعِلْمَ يَنْفَعُ مَعَ قَلِيلِ الْعَمَلِ وَكَثِيرِهِ وَإِنَّ الْجَهْلَ لَا
يَنْفَعُ مَعَ قَلِيلِ الْعَمَلِ وَلَا كَثِيرِهِ.

بهترین کارها خداشناسی است کاری که با دانش قرینست اندک و بسیار آن سودمند است
و کاری که با نادانی قرینست نه اندک آن سود میدهد و نه بسیار.

390

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبَغْضُ فِي اللَّهِ
بهترین کارها دوستی و دشمنی در راه خداست.

391

أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ مَعَكَ حَيْثُ كُنْتَ.

بهترین اقسام ایمان آنست که بدانی هر جا هستی خدا با توست.

392

أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تَحِبَّ لِدِينِهِ وَتَبْغِضَ لِدِينِهِ وَتَعْمَلَ لِسَانَكَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ وَأَنْ تَحِبَّ لِلنَّاسِ مَا

تَحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لِمَنْ مَاتَكَرَهُ لِنَفْسِكَ وَأَنْ تَقُولَ خَيْرًا أَوْ تَصْمُتَ.

بهترین اقسام ایمان اینست که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و آنچه

برای خود میخوایی برای مردم بخوایی و آنچه برای خود نمیخوایی برای دیگران نخوایی و

سخن نیک بگوئی یا خاموش مانی.

393

أفضل الإيمان الصبر والسَّامَة

بهترین خصال ایمان صبر و گذشت است.

394

أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر.

بهترین جهاد سخن حقیقت که پیش پادشاه ستمکار گویند

395

أفضل الجهاد من أضحى ولم يهْمَ بظلم أحد.

بهترین اقسام جهاد آنست که کسی روز آغاز کند و در اندیشه ظلم کسی نباشد.

396

أفضل المحنت تکرمة الجلساء.

بهترین کارهای نیک آنست که جلسیان را عزیزداری.

397

أفضل الجهاد أن يجاهد الرجل نفسه وهواه.

بهترین جهاد آنست که انسان با نفس و هوس خود پیکار کند.

398

أفضل الدعاء دعاء المرء لنفسه.

بهترین دعا دعا نیست که انسان برای خود میکند

399

أفضل الدّانير دينار ينفقه الرّجل على عياله.

بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوران خود خرج میکند.

400

أفضل الصدقة ما كان عن ظهر غنى واليد العليا خير من اليد السفلى وابدأ بمن تعول.

بهترین صدقه ها اینست که در حال یینیزی صورت گیرد و دست دهنده بهتر از دست

گیرنده است

401

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ يُعَلَّمَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ عَلَاثَمٌ يَعْلَمُهُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ.

بهترین صدقه ها آن است که مرد مسلمان دانشی بیاموزد و به برادر مسلمان خود تعلیم دهد.

402

أفضل صدقة اللسان الشفاعة تفك بها الأسير وتختن بها الدّم وتجربها المعروف و

الإحسان إلى أخيك وتنفع عنه الكربة.

بهترین صدقه زبان، شفاعتی است که بوسيله آن اسیر را آزاد سازی و از ریختن خون

جلوگیری کنی و نیکی و احسان را به سوی برادر خویش بکشی و بدی را از او دفع کنی.

403

أفضل الأعمال أن تشع كبدًا جائعًا.

بهترین کارها آنست که کرسنه را سیر کنی.

404

أفضل الصدقة حفظ اللسان.

بهترین صدقه ما، نگهداری زبانت.

405

أفضل الصدقة صدقة اللسان.

بهترین صدقه ما، صدقه زبان است.

406

أفضل الصدقة أن تصدق وأنت صحيح شحج تأمل الغنى وتخشى الفقر ولا تمهل حتى إذا

بلغت الحلقوم قلت لفلان كذا و لفلان كذا، ألا وقد كان لفلان.

بهترین صدقه ها آنست که هنگامی که سالم و شگدستی و امید ثروت و بیم فقر داری صدقه

بدهی نه آنکه بگذاری تا وقتی جان بگورسید کوئی؛ این مال فلانی و این مال فلانی، زیرا

آنها متعلق بفلانی شده است.

407

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَیِّنِ.

بهترین اقسام صدقه آنست که میان دو کس را اصلاح دهی.

408

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ الصَّدَقَةُ عَلَى ذِي الرَّحْمِ الْكَاشِحِ.

بهترین صدقه ها آنست که به خویشاوندی که دشمن توست چیزی بدهی.

409

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.

بهترین اقسام عبادت انتظار کشایش است.

410

أَفْضَلُ الْعَمَلِ أَدْوَمُهُ وَإِنْ قَلَّ.

بهترین کارها آن است که دوامش بیشتر است اگر چه اندک باشد.

411

أَفْضَلُ الْعَمَلِ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ.

بهترین کار نیت پاک است

412

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَجْرُ اسْرَعَةِ الْقِيَامِ مِنْ عِنْدِ الْمَرِيضِ.

از همه عبادت ها بهتر و پراجرتر آن است که زودتر از پیش مریض برخیزی.

413

أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ أَنْ تَصِلَ مِنْ قَطْعٍ وَتُعْطَى مِنْ حَرَمٍ وَتَصْفَحَ عَمَّنْ ظَلَمَ.

بهترین فضایل اینست که با آنکه از تو ببرد پیوند گیری و بکسی که تو را محروم میکند عطا کنی و

از آنکه بر تو ستم کند گذری

414

أفضل الکسب مع مرور عمل الرجل بیده.

بهترین کسبها معامله ای است که نادستی در آن نباشد و کاری است که مرد با دست خود

انجام دهد.

415

أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِسْلَامًا مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيدُهُ وَأَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.

از همه مؤمنان اسلام آن کس بهتر است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و
از همه مؤمنان ایمان آن کس بهتر است که اخلاق وی نیکتر است.

416

أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا الَّذِي إِذَا سَأَلَ أُعْطِيَ وَإِذَا أَلْمَ يَعُطِ اسْتَعْنَى.

از همه مؤمنان ایمان آن کس بهتر است که وقتی از او چیزی بخواهند بدهد و اگر چیزی بخواهد ندهند راه بی نیازی سپرد.

417

أفضل الناس رجل يعطي همه.

بهترین مردم آنست که همه کوشش خود را بکار میبرد.

418

أفلح من رزق بآ.

آنکه خرد دارد در سگاری می شود.

419

أفضل الناس من تواضع عن رفعة وزهد عن غنية وأنصف عن قوّة وحلم عن قوّة.

بهتر از همه مردم کسی است که در حال رفعت فروتنی کند و در عین ثروت زاهد باشد و در

عین قوت انصاف دهد و در حال قدرت بردباری کند

420

أفضلکم ایماناً أحسنکم أخلاقاً.

هر کس از شما اخلاقش نیکتر ایمانش بهتر است.

421

أفقر الناس الطامع.

طمعکار از همه مردم فقیرتر است.

422

أَفْلَحَ مَنْ هَدَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَفَعَّ بِهِ.

هر که باسلام راهبر شده و لوازم زندگی بقدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار

شده است

423

اقْرءوا القرآن ما أُنزلت عليه قلوبكم فإذا اختلفتم فيه فقوموا.

قرآن را تا هنگامی که دلهای شما بر آن اتفاق دارد بخوانید و وقتی درباره آن اختلاف پیدا

کردید بر خیزید.

424

اقرأ القرآن ما نهاك فاذا لم يهك فلت تقرأه.

اگر خواندن قرآن ترا از کاربرد منع میکند آن را بخوان ولی اگر ترا از کاربرد و انمیدارد به

حقیقت قرآن نمیخوانی.

425

اقرأ القرآن واعلموا به ولا تحفوا عنه ولا تغلوا فيه ولا تأكلوا به ولا تسكثروا به.

قرآن را بخوانید و بدان عمل کنید و از آن دور نشوید و در آن غلو نکنید بوسیله قرآن نان

نخورید و به حکم آن فرونی مجوئید.

426

اقرأ القرآن فإن الله تعالى لا يعذب قلبا وعى القرآن.

قرآن را بخوانید زیرا خداوند دل را که قرآن را دریافت معذب نمیکند.

427

أقرب العمل إلى الله الجهاد في سبيل الله ولا يقاربه شيء.

نزدیکترین کار با خدا جهاد در راه خداست و چیزی مانند آن نیست

428

اقبل الحق ممن آتاك به من صغير أو كبير وإن كان بغضا بعيدا وأردد الباطل على من

جاءك به من صغير أو كبير وإن كان حبيبا قريبا.

سخن حق را از هر که شنیدی به پذیر اگر چه دشمن و بیگانه باشد و ناحق را از هر که شنیدی نپذیر

اگر چه دوست و نزدیک باشد.

429

اقربت الساعة ولا يزداد الناس على الدنيا إلا حرصا ولا تزداد منهم إلا بعدا.

رستاخیز نزدیک شده است و آرز مردم دنیا دائما بیشتر و دنیا از آن ها دور تر می شود.

431

أقلّ الناس راحةً بنجیل.

آسایش بنجیل از همه کس کمتر است.

430

أقلّ الناس لذّة الحسود.

لذت حسود از همه کس کمتر است.

432

أقلّ من الدّین تعش حراً.

قرض کمتر گیر تا آزاد باشی.

433

أَقْلَ من الذنوب هين عليك الموت.

کناه کمتر کن تا مرگ بر تو آسان شود.

434

أَقْلُوا الدَّخُولَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فَإِنَّهُ أَوْحَشُ أَنْ لَا تَزِدُوا نِعْمَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

پیش تو انکمران کمتر روید زیرا در این صورت نعمتهای خدا را خوار نخواهید شمرد.

435

أَقْبِلُوا السَّخَى زَلَّةً فَإِنَّ اللَّهَ أَخَذَ بِهَا كَفَّ عَشْرَ.

از لغزش مرد سخاوتمند بگذرید زیرا هر دم بلغزد خدا دست او را میگیرد.

436

أَقِمُوا حُدُودَ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْبَعِيدِ وَالْقَرِيبِ وَلَا تَأْخُذْكُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

مقررات خدا را دوباره بگانه و خویش اجرا کنید و در کار خدا بسخن کسان گوش دهید.

437

أَكْبَرُ أُمَّتِي الَّذِينَ لَمْ يَعْطُوا فَيْطُرًا وَلَمْ يَقْتَرِ عَلِيمٌ فَيَسْأَلُوا.

بزرگترین افراد امت من آنها هستند که نه چندان توانگرند که خود را کم کنند و نه چندان فقیرند

که دست بسؤال کشایند.

438

أكبر الكبائر الإشراك بالله و قتل النفس و عقوق الوالدين و شهادة الزور.

بزرگترین گناهان بزرگ شرک بخدا و قتل نفس و بدرفتاری با پدر و مادر و شهادت دروغ

است.

439

أكبر الكبائر سوء الظن بالله

بدترین گناهان بزرگ بدگمانی بخداست.

440

اکثر خطایا بن آدم فی لسانه.

بیشتر گناهان فرزند آدم از زبان اوست.

441

اکثر الناس ذنوباً یوم القیامة اکثرهم کلاماً فیما لا ینفع.

در روز رستاخیز از همه مردم گناه آن کس بیشتر است که بیشتر از همه در چیزهایی که بد و مربوط

نیست سخن گوید.

442

اکثر الناس قیمة اکثرهم علماً.

هر که بدانش از دیگران پیش تر است، قیمتش از دیگران بیشتر است.

443

اکثر ذکر الموت فان ذکره یسکک مآسواه.

مرگ را بسیار بخاطر بیاور زیرا یاد مرگ ترا از رنج های دیگر تسلیت می دهد.

444

اکثروا ذکر الموت فانه یحصّ الذنوب ویزید فی الدّینا فان ذکر تموه عند الغنی هدمه وإن

ذكر تموه عند الفقر ارضاکم بعسکم.

مرک را بسیار به یاد آرید زیرا یاد مرک گناهان را پاک می کند و حرص دنیا را کم می کند، اگر مرک را بهنگام توانگری به یاد آرید اهمیت آن را کم میکند و اگر بهنگام تنگدستی یاد کنید، شمارا از زندگی تان خوشنود می سازد.

445

أَكْثَرُ أَمِّنِ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَجِيبُ أُنْ يَعْذِبُ عَبْدَهُ مِنْ إِخْوَانِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.

دوست بسیار کسیرد زیرا خدای شما با حیا و بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیز بنده خود را میان برادرانش عذاب کند.

446

أكثر من الدعاء فإنّ الدعاء يردّ القضاء.

بسیار دعا کن کہ دعا قضا را دفع میکند

447

أكثر ما من ذكر هادم اللذات فإنه لا يكون في كثير إلا قلّة ولا في قليل إلا أبزله.

مرک را بسیار بیاد آرید زیرا یاد مرک بسیار راکم و کم را کافی جلوه می دهد.

448

أكرموا الشهود فإنّ الله يخرج بهم المحقوق ويضع بهم الظلم.

شہدان را کرامی شمارید زیرا خدا حقوق کسان را بوسیله آنان احقاق میکند و ستم را بوسیله
آنها دفع می نماید.

449

أكرم الناس اتقاهم.

بزرگوارتر از همه مردم کسی است که پرهیزگارتر است

450

أكرموا العلماء فإنهم ورثة الأنبياء فمن أكرمهم فقد أكرم الله ورسوله.

دانشمندان را کرامی دارید که آنها و ارثان پیغمبر اند و هر که آنها را عزیز دارد خدا او پیغمبر را
عزیز داشته است.

451

اكر موالادكم و احسنوا آدابهم.
فرزندان خود را کرامی شمارید و نیکوترینشان کنید.

452

اكر موالا خضر فان الله انزل من بركات السماء و اخرج من بركات الارض.

نان را کرامی شمارید زیرا خداوند آن را از برکات آسمان فرو فرستاده و از برکات زمین
بیرون آورده است.

453

اَكْفُوا مِنْ الْعَمَلِ مَا تَطِيقُونَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَلِيَّ حَتَّى تَعْلَمُوا إِنَّ أَحَبَّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
أَدْوَمُهُ وَإِنْ قَلَّ.

بقدر توانائی خود عبادت کنید زیرا وقتی شاملول شدید خدا نیز ملول می شود، در نظر خدا
بهترین کارها آنست که بادوامتر است اگر چه اندک باشد.

454

أَكْلُ الْمُؤْمِنِينَ إِمَانًا أَحْسَنُ خَلْقًا وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ.

کامل ترین مؤمنان آن است که خلقش نیک تر است و از همه شمایک ترکسانی هستند

که برای زنان خود نیکترند.

455

أَلَا خَيْرُكُمْ بَابِلُ النَّارِ؟ كُلَّ جَعْفَرِيٍّ جَوَّازٍ مُسْكِبٍ جَمَاعٍ مَنُوعٍ.

می خواهی تو را از اهل جهنم خبر دهم؟ هر کس که خود پسند و خود خواه و مسکبر و حریص و

بنجل باشد

456

ألا أخبرك بخير ما يكثر المرء؟.. المرأة الصالحة إذا نظر إليها سرتة وإذا أمرها أطاعته وإذا غاب

عنها حفظته.

میخواهی ترا از بهترین کنیخته مرد خبر دهم؟ زن پارسا که وقتی بدو نکرده مسرور شود و همین که

بدو فرمان دهد اطاعت کند و هنگام غیبت امانت او را محفوظ دارد

457

ألا أخبرك عن ملوك الجحيم؟

رجل ضعیف مستضعف ذو طمرین لایؤبه له لو أقسم علی الله لأبره.

میخواهی ترا از پادشاهان بهشت خبر دهم؟ مرد ضعیف و ناتوان و ژنده پوش که هیچ کس بدو اعتنا نکند و اگر قسم خورد که چیزی واقع می شود خداوند قسم او را راست کند.

458

أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟

اصلاح ذات البین فإِنَّ فساد ذات البین هی الحالقة.

میخواهید شمارا از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است خبر دهم؟ اصلاح میان کسان، زیرا فساد میان کسان مایه هلاک است.

459

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرَمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا؟ عَلَى كُلِّ هَيْنٍ لَيْنٌ قَرِيبٌ سَهْلٌ.

میخواهید شمارا خبر دهم که فردا آتش بر چه کس حرام است؟

هر کس که ملایم و نرم و زود جوش و آسان کسیر باشد.

460

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا نَكُم مِنْ أَهْلِ الْحِجَّةِ؟ الْوُدُودُ وَالْوُلُودُ وَالْعُودُ الَّتِي إِذَا ظَلَمْتَ قَالَتْ هَذِهِ يَدِي فِي

يَدِكَ لَا أَذُوقُ غَمَضَاتِي تَرْضَى.

می خواهید شمارا از زمانی که اهل بهشتند خبر دهم؟ زن وفاداری که فرزند زیاد آورد و زود
آشتی کند، همین که بدی کرد و گوید این دست من در دست توست چشمم بر هم نمی گذارم
تا از من راضی شوی.

461

ألا أخبركم بخيركم من شرکم؟ خيرکم من یرجی خیرہ ویؤمن شرّہ وشرکم من لایرجی خیرہ و
لایؤمن شرّہ.

می خواهید شمارا از بدان و نیکان تان خبر دهم؟ بهترین شما کسی است که بخیرش امید
توان داشت و از شرش امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از
شرش امان نیست.

462

ألا أخبركم بأيسر العبادة وأهونها على البدن؟ الصمت وحسن الخلق.
می خواهید شمارا بعبادتی که از همه عبادتها بر بدن آسانتر است خبر دهم؟ سکوت و نیکوئی.

463

ألا أدلكم على أشدكم؟ أملككم عند الغضب.

می خواهید شمارا بان کس که از همه زورمندتر است رهبری کنم؟ آنکه هنگام خشم بهتر خود را نگاه می دارد.

464

أَلَا أُنَبِّئُكَ بِشَرِّ النَّاسِ؟ مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ وَمَنْعَ رَفْدِهِ وَسَافِرَ وَحْدَهُ وَضَرْبَ عَمَدِهِ، أَلَا أُنَبِّئُكَ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟ مَنْ يَخْشَى شَرَّهُ وَلَا يَرْجِي خَيْرَهُ أَلَا أُنَبِّئُكَ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ أَلَا أُنَبِّئُكَ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا بِالْدِّينِ.

میخواهی ترا از کسی که از همه مردم بدتر است خبر دهیم؟، آن کس که تنها غذا خورد و بکسی چیزی نهد و تنها سفر کند و بنده خویش را بزند، میخواهی ترا از کسی که بدتر از او است خبر

دہم؟ آنکہ از شر او بترسند و بخیرش امید داشته باشند میخواہی ترا از کسی کہ بدتر از اوست

خبر دہم؟ آنکہ آخرت خویش را بدنیای دیگری فروشد میخواہی ترا از کسی کہ بدتر از

اوست خبر دہم؟ آنکہ بوسیله دین از دنیا برہ مند شود

465

أَلَا أَعْلَمُكَ خَصَلَاتِ يَنْفَعُكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِنَّ؟ عَلَيْكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ

الحلم وزيره والعقل دليله والعمل قيمه والرفق أبوه واللين أخوه والصبر أمير جنوده.

می خواهی صفاتی بتو بیاموزم که خداوند ترا با آنها متفع سازد؟ دانش آموز که دانش دوست

مؤمن است و بردباری پشتیبان او و عقل رهبر و عمل قیم و مدارا پدر و ملایمت برادر

اوست و صبر امیر سپاه وی بشمار میرود.

466

أَلَا إِنَّ الْغَضَبَ حِمْرَةٌ تَوْقَدُ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ أَلَّا تَرُونَ إِلَى حِمْرَةِ عَيْنِيهِ وَاتْفَاحِ أَوْدَاجِهِ فَإِذَا

وَجَدَ أَحَدَكُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَالْأَرْضُ الْأَرْضُ.

بدانید که خشم آتشی است که در دل انسان مشعل می شود؛ مگر نمی بینید که بهنگام خشم

چشمهای او سرخ و رگهایش متورم می شود و قتی یکی از شما چنین شد روی زمین روی

زمین!

467

أَلَا إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ وَآدَمَ مِنْ تَرَابٍ وَأَكْرَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَابَهُمْ.

بدانید که مردم از آدم پدید آمده اند و آدم از خاک و بزرگوارترین مردم در نظر خدا پرستگار

ترین آنهاست.

468

ألا إنَّ بني آدم خلَقوا على طبقاتٍ شتى، منهم من يولد مؤمناً ويحيا مؤمناً ويموت مؤمناً و

منهم من يولد كافراً ويحيا كافراً ويموت كافراً ومنهم من يولد كافراً ويحيا كافراً ويموت

مؤمناً.

بدانید که مردم بر طبقات مختلف آفریده شده اند بعضی مؤمن متولد می شوند و مؤمن

زندگی میکنند و مؤمن می میرند. بعضی دیگر کافر متولد می شوند و کافر زندگی میکنند و کافر

میسیرند بعضی کافر متولد میشوند و کافر زندگی میکنند ولی مؤمن میسیرند.

ألا إن خير الرجال من كان بطيء الغضب سريع الرضا وشر الرجال من كان

سريع الغضب بطيء الرضا، فإذا كان الرجل بطيء الغضب بطيء الرضا وسريع

الغضب سريع الرضا فإنه بها.

بدانید که بهترین مردان آنست که دیر بخشم آید و آسان خشنود شود و بدترین مردان

آنست که زود بخشم آید و دیر خشنود شود، اگر مردی دیر بخشم آید و دیر خشنود شود یا زود

بخشم آید و زود خشنود شود آنهم خیر است.

أَلَا إِنَّ خَيْرَ تِجَارٍ مَنْ كَانَ حَسَنَ الْقَضَاءِ حَسَنَ الطَّلَبِ وَشَرَّ تِجَارٍ مَنْ كَانَ سَيِّئَ الْقَضَاءِ

سَيِّئَ الطَّلَبِ فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْقَضَاءِ سَيِّئَ الطَّلَبِ أَوْ كَانَ سَيِّئَ الْقَضَاءِ حَسَنَ

الطَّلَبِ فَإِنَّهَا بَاطِلَةٌ.

بدانید که بهترین تاجران کسی است که خوش پرداخت و خوش طلب باشد و بدترین

تاجران کسی است که بد پرداخت و بد طلب باشد اگر مردی خوش پرداخت و بد طلب یا

بد پرداخت و خوش طلب باشد آنهم چیز نیست.

471

أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ الْحُجَّةِ حَزَنٌ بِرَبْوَةِ الْأَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ النَّارِ سَهْلٌ بِسُهْوَةٍ.

بدانید که کار اہل بہشت مانند آنست کہ از راہ سختی بر تپہ مرتفعی بالا روند و کار اہل جہنم
مانند آنست کہ در سراشیب زمین ہمواری راہ سپرند.

472

الارب مکرم لقمہ و ہولہا مہین الارب مہین لقمہ و ہولہا مکرم.
چہ بسیار کسان کہ خود را عزیز میکنند و بحقیقت خوار می کنند و چہ بسیار کسانی کہ خود را خوار
میکند و بحقیقت عزیز می کنند.

473

الارب شہوة ساعۃ أورث حزنا طویلا؛

چه بسا شهوت ساعتی که رنجی طولانی به جای گذارد.

474

أَلَا رَبَّ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْقِيَامِ إِلَّا التَّهَرُّبُ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنَ الصِّيَامِ إِلَّا الْإِبْهَاجُ وَ

الْعَطَشُ.

چه بسیار کسان که هنگام شب برای نماز بر می خیزند و از کار خود جز بیداری ثمری نمی برند و

چه بسیار کسانی که روزه می گیرند و از روزه خویش جز گرسنگی و تشنگی سودی نمی برند.

475

ألا وإن في الجسد مضغة إذا صلحت صلح الجسد كله وإذا فسد فسد الجسد كله ألا وهي

القلب.

بدانید که در تن قطعه کوشتی است که اگر صلح بود تمام تن بصلح آید و اگر فاسد بود تمام تن

بفساد گراید، بدانید که آن قلب است.

476

ألا يا ربّ نفس طاعة ناعمة في الدنيا جائئة عارية يوم القيامة. ألا يا ربّ نفس جائئة عارية

في الدنيا طاعمة ناعمة يوم القيامة.

چه بسیار کسان که در این جهان سیر و خوشند و در روز رستاخیز گرسنه و برهنه اند و چه بسیار کسان که در این جهان گرسنه و برهنه اند و روز رستاخیز سیر و خوشند.

477

أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلًا مَخَافَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ الْحَقَّ إِذَا عَلِمَهُ.

کسی که سخن حقی می داند نباید از بیم مردم از گفتن آن خودداری کند.

478

أَلَا لَا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ ثَاثِمًا الشَّيْطَانَ.

بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی کند جز آنکه سومی آنها شیطان است.

479

الْبَسْ جَدِيدًا وَعِشْ حَمِيدًا.

لباس نوپوش و نیک نام بزی.

480

الْتَمِسُوا الْجَارَ قَبْلَ شَرِّ الدَّارِ وَالرَّفِيقَ قَبْلَ الطَّرِيقِ.

پیش از خریدن خانه همسایه بجوئید و پیش از سفر رفیق بیابید.

481

الْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالطَّحْلِ.

بوسيله زناشوئی روزی بجوئید

482

التمس ولو خاتما من حديد.

انگشتری داشته باش اگر چه از آهن باشد.

483

الزموا الجهاد تصحوا وتستغنوا.

جهاد کنید تا سالم باشید و بی نیاز شوید.

484

اللّٰهُ يَمْلِكُ اِيْمَانَكُمْ اَلْبَسُوا طُحُورَهُمْ . وَاشْبَعُوا بَطُونَهُمْ وَاَلْيُوا لَهُمُ الْقَوْلَ .

در رفتار با بندگان خود خدا را در نظر داشته باشید، تشان را به پوشانید و شکمشان را سیر کنید و با

آنها بلا میست سخن گوئید.

485

اللّٰهُ فَيَمْنُ لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ اِلَّا اللّٰهُ

درباره کسی که جز خدا یاری ندارد خدا را در نظر داشته باشید

486

اللّٰهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ .

تاہنگامی کہ شخص بیاری برادر خویش می پردازد خداوند یاور اوست.

487

اللّٰهُمَّ الْقَاضِي مَالِمْ يَجْرِ فَاِذَا جَارَتْ حُلَى اللّٰهِ عَنْهُ وَلِزَمَهُ الشَّيْطَانُ.

خداوند یار قاضی است تا موقعی کہ تم نکند، وقتی تم کرد خدا اورا را می کند و شیطان

قرین او می شود.

488

اللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِنِيَّ وَانْقِطَاعِ عُمُرِيَّ.

خدا یا روزی مرا ہنگام پیری و واپسین زندگانی بیشتر از مواقع دیگر وسعت بخش.

489

اللهم اجعلني أخشاك حتى كافي أراك واسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في
قضاك وبارك لي في قدرك حتى لا أحب تعجيل ما أخرت ولا تأخير ما عجلت واجعل
غناي في نفسي.

خدایا مرا چنان از ذات خود ترسان کن که کوئی ترامی ینم و مرا سپر سزکاری خود خوشبخت
کن و بنا فرمائی خود بد بخت مکن قضای خود را برای من انتخاب کن و تقدیر خود را بر من
مبارک کن که نخواهم آنچه را مؤخر کرده ای مقدم کنی یا آنچه را مقدم داشته ای مؤخر کنی و
ثروت مراد روحم مستقر کن.

490

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شُكُورًا وَاجْعَلْنِي صَبُورًا وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا.

خداوند مرا شاکر و صابر کن و مراد چشم خویش خوار و در نظر مردم بزرگوار کن.

491

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا تَبَشَّرُوا وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا.

خدایا مرا از جمله کسانی قرار ده که وقتی نیکی کنند خوشحال میشوند و وقتی بد کنند آمرزش می

طلبند.

492

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي.

خدا یا کناه مرا بخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا افزون کن.

493

اللّٰهُمَّ احْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ.

خدا یا در همه کار ما عاقبت ما را بخیر کن و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نگهدار.

494

اللّٰهُمَّ احفظني بالاسلام قائما واحفظني بالاسلام قاعدا واحفظني بالاسلام راقدا ولا تسمت بي
عدوا ولا حاسدا اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ
بِيَدِكَ.

خدایا مرا هنگام حفظن و ایستادن و نشستن بوسیله اسلام حفظ کن و مرا به سرزنش دشمن و
حسد مبتلا ساز، خدایا همه نیکی هایی که گنجینه آن را بدست داری از تومی خواهم و از همه
بدیهایی که گنجینه آن را بدست داری بتوانا می برم.

اللّهمّ احيني مسكينا وتوفني مسكينا واحشني في زمرة المساكين وإن أشتى الأشقياء من
اجتمع عليه فقر الدنيا وعذاب الآخرة.

خدایا مراد زندگی فقیر دار و فقیر بمیران و در صف فقیران محسوس ساز، بدبخت ترا ز همه
بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم داشته باشد.

496

اللّهمّ أصلح ذات بيننا وألف بين قلوبنا واهدنا سبل السلام ونجنا من الظلمات إلى النور
ونجنا الفواحش ما ظهر منها وما بطن. اللهم بارك لنا في أسماعنا وأبصارنا وقلوبنا وأزواجنا و
ذرياتنا وتب علينا إنك أنت التّواب الرحيم.

خدایا میان ما را اصلاح ده و دلهای ما را متفق ساز و ما را آبرامش هدایت کن و از تاریکی ها
بسوی روشنی رهائی بخش و از زشتی های آشکار و نهان دور ساز، خدایا گوشها و چشمها و دلهما و
زنها و فرزندان ما را مبارک گردان و توبه ما را بپذیر زیرا تو توبه پذیر و مهربانی.

497

اللهم ارزقني عینین هطالتین تشیان القلب بذروف الدّموع من خشيتك قبل أن
تكون الدّموع دما والأضراس حمرا.

خدایا مراد و چشمم استگبار بخش که دل را از ریزش استگمائی که از بیم تو میریزد شفا بخشند پیش
از آن که استگما خون و دندان ها آتش شود.

498

اللّهمّ اُصلح لي ديني الذي هو عصمة أمرى. وأُصلح لي دنياي التي فيها معاشى وأُصلح لي
آخرتى التي فيها معادى واجعل الحياه زياده لي فى كلّ خير واجعل الموت راحه لي من كلّ

شتر

خدایا دین مرا که حافظ کار من است و دنیای مرا که زندگی من در آنست و آخرت مرا که
بازگشتم بسوی آنست بصلاح آرزندگی را برای من مایه افزایش نیکبها ساز و مرگ را برای
من مایه آسایش از بدبها کن.

499

اللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلَى غِمَرَاتِ الْمَوْتِ وَسُكْرَاتِ الْمَوْتِ.

خدا یا مبرابر تھل سحتیا ورنجہای مرگ کھک کن.

500

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ وَوَسِّعْ لِيْ فِيْ دَارِيْ وَبَارِكْ لِيْ فِيْ رِزْقِيْ.

خدا یا کناہ مرا بخش و خانہ ام را وسعت بخش و روزی مرا برکت ده.

501

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ خَطِيئَتِيْ وَجَهْلِيْ وَاسْرَافِيْ فِيْ أَمْرِيْ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّيْ. اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ خَطِيئَتِيْ وَ

عَمْدِيْ وَهَرَبِيْ وَجَدِّيْ وَكُلَّ ذَلِكْ عِنْدِيْ. اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا

أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ؛

خدا یا از گناه و جهالت و افراط کاری من و آنچه بهتر از من میدانم در گذر خدا بی‌خطا و عمو

شوخی و جدی من همه را بخش خدا یا گناهان سابق و لاحق و نهان و عیان مرا عفو کن.

502

اللّٰهُمَّ اغْنِنِيْ بِالْعِلْمِ وَزِينَتِيْ بِالْحِلْمِ وَأَكْرِمْ نِيَّ بِالْتَّقْوَىْ وَجَلِّنِيْ بِالْعَافِيَةِ؛

خدا یا مرا با علم توانگر ساز و بحلم زینت بخش و بتقوی عزیز کن و بعافیت زیبائی ده.

503

اللّهم اقم لنا من خشيتك ما تحول بيننا وبين معاصيك ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك
ومن اليقين ما هوّن علينا مصيبات الدنيا. ومتّعنا بأسماعنا وأبصارنا وقوتنا ما أحييتنا واجعله
الوارث منا واجعل ثارنا على من ظلمنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا في ديننا
ولا تجعل الدنيا أكبر همّا ولا مبلغ علمنا ولا تسلط علينا من لاي رحمتنا؛

خدایا از ترس خود آتقدر نصیب ما ساز که میان ما و نافرمانی تو حایل شود و از اطاعت خود
آتقدر که ما را بهشت برساند و از یقین آتقدر که مصیبت های جهان را بر ما آسان کند و ما را
تا هنگامی که زنده میداری از چشم و گوش و نیروی خود بهره ور ساز و آن را تا آخرین لحظه

برای ما محفوظ دار و انتقام ما را از کسانی که باستم کرده اند بگیر و ما را بر کسانی که با ما دشمنی
نمیکنند فیروز ساز و مصیبت ما را در دینمان قرار نده و کار دنیا را بزرگترین غم ما و نهایت
دانشمان ساز و کسی را که بر ما رحم نمیکند با مسلط مگردان.

504

اللّٰهُمَّ اَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَاَنْتَ تَوْفِيهَا لَكَ مَآئِدًا وَمَحْيَا وَاِنْ اَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَاِنْ اَمَتَّهَا
فَاغْفِرْ لَهَا. اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ؛

خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را میکیری زندگی و مرگ آن متعلق به تو است اگر زنده
اش داشتی محفوظش دار و اگر دچار مرگش ساختی بر او بخش. خدایا من از تو عافیت
میخواهم.

505

اللهم انفعنی بما علّمتنی و علّمتنی بما یفعلنی و زدنی علما؛

خدایا مرا آنچه تعلیم داده ای متفع کن و آنچه را برای من نفع است بمن بیاموز و دانش
مرا افزون کن.

506

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْعَافِيَةَ وَالْغِنَى؛

خدایا من از تو هدایت و تقوی و عفت و بی نیازی میخواهم.

507

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صِحَّةً فِي إِيْمَانٍ وَإِيْمَانِي حَسَنَ خَلْقٍ وَنَجَاحًا يَتَّبِعُهُ فَلَاحٌ؛

خدایا من از تو صحتی میخواهم که قرین ایمان باشد و ایمانی که بانیک خوبی همراه باشد و موفقیتی

که رسگاری دنبال آن باشد.

508

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ
وَمَا لَمْ أَعْلَمْ؛

خدایا من نیکی هائی را که می دانم و نمیدانم از تو میخواهم و از بدیهائی که میدانم و نمی دانم بتو
پناه میبرم.

509

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُنُونِ وَالْجَذَامِ وَمِنْ سَيِّئِ الْأَسْقَامِ؛
خدایا من از برص و دیوانگی و خوره و امراض بدبختی پناه می برم.

110

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبَخْلِ وَالْهَرَمِ وَالْقَسْوَةِ وَالْغَلَةِ وَالْعَمَلَةِ وَ

الذَّلَّةِ وَالْمَسْكَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْكَفْرِ وَالْفُسُوقِ وَالشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَالسَّمْعَةِ وَالرَّيَاءِ

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ وَالْبُكْمِ وَالْجُنُونِ وَالْجَذَامِ وَالْبَرَصِ وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ؛

خدایا من از ناتوانی و تبلی و ترس و بخل و پیری و سگدلی و غفلت و تنگدستی و ذلت و

مستندی بتو پناه میبرم و از فقر و کفر و فسق و اختلاف و نفاق و ریا بتو پناه میبرم و از کرمی

و گنگنی و دیوانگی و خوره و برص و امراض بد بتو پناه میبرم.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبَخْلِ وَالْهَرَمِ وَأَعُوذُكَ مِنْ عَذَابِ
الْقَبْرِ وَأَعُوذُكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَأَعُوذُكَ مِنْ قَسَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ؛

خدایا از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری و پناه میبرم و از عذاب قبر و پناه میبرم و از
عذاب جهنم و پناه میبرم و از رسوائی در زندگی و پناه میبرم.

512

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَأَعُوذُكَ مِنْ أَنْ أَظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ؛
خدایا از فقر و تنگدستی و ذلت و پناه میبرم و از ستمگشی و ستمگری و پناه میبرم.

513

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُسْلِ وَالْهَرَمِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ وَمِنْ قَتْلِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ

وَمِنْ قَتْلِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ وَمِنْ شَرِّ قَتْلِ الْغَنِيِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ قَتْلِ الْفَقْرِ؛

خدایا از تبلی و پیری و کناهِ و قرض و بلیه قبر و عذاب قبر و رسوائی جهنم و بلیه جهنم و

عذاب جهنم و بلیه ثروت و بلیه فقر و تپناه میبرم.

514

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السَّوِّ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَحُولُ؛

خدایا از همسایه بد در خانه اقامت بتپناه می برم زیرا همسایه صحرا بزودی تغییر می یابد.

515

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَلِيلٍ مَّاكَرَ عَيْنَاهُ تَرِيَانِي وَقَلْبُهُ يَرَعَانِي إِنَّ رَأْسِي حَسَّةٌ دَفَنَاهُ وَإِنْ

رَأْسِي سَيِّئَةٌ أَدَاْعَاهُ؛

خداوند! بتو پناه می برم از دوست حیلہ باز کہ دیدگانش مرا میسند و دلش مراقب منست، اگر

کنیکی بہ من دستور سازد و اگر بدی ببیند مشہور سازد.

516

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَجَمِيعِ سَخَطِكَ؛

خدا یا از زوال نعمت و تغیر عافیت و غضب ناگہانی و ہمہ چیزهایی کہ مایہ ناخشنودی تو

است بتو پناه می برم.

517

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَعِلٍّ لَا يَرْفَعُ، وَدَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ؛

خدایا از دانشی که سود ندهد و علمی که مقبول نیفتد و دعائی که شنیده نشود پناه میبرم.

518

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَقَلْبٍ لَا يَتَّبِعُ وَدَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَنَفْسٍ لَا تَتَّبِعُ أَعُوذُ بِكَ

اللّٰهُمَّ مِنْ شَرِّ مَوْلَاءِ الْأَرْبَعِ؛

خدایا از دانشی که سود ندهد و دلی که سوز ندارد و دعائی که شنیده نشود و نفسی که سیری نپذیرد پناه

پناه میبرم خدایا از این چهار چیز پناه میبرم.

519

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ وَغَلَبَةِ الْعَدُوِّ وَثَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ؛

خدایا از چیرگی قرض و غلبه دشمن و سرزنش مخالفان بتو پناه میبرم.

520

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ؛

خدایا از قتل زنان بتو پناه میبرم و از عذاب قبر بتو پناه میبرم.

521

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَكْرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ وَالْأَدْوَاءِ؛

خدایا از اخلاق بد و اعمال بد و هوسهای بد و مرضهای بد بتو پناه می برم.

522

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبُكَ مِنْ یَّوْمٍ سَوءٍ وَ مِنْ لَیْلَةٍ سَوءٍ وَ مِنْ سَاعَةٍ سَوءٍ وَ مِنْ صَاحِبِ

السَّوءِ وَ مِنْ جَارِ السَّوءِ فِیْ دَارِ الْمَقَامَةِ؛

خدایا از روز بد و شب بد و ساعت بد و یار بد و همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه می برم.

523

اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَامَّتِیْ فِیْ بُکُورِیْ؛

خدایا سحر خیزی را بر امت من مبارک ساز.

524

اللّهم بعلمك الغيب وقدرتك على الخلق أحيني ما علمت الحياة خيراً لي وتوفني إذا

علمت الوفاة خيراً لي، اللهم وأسألك خشيتك في الغيب والشهادة وأسألك كلمة

الإخلاص في الرضا والغضب وأسألك القصد في الفقر والغنى؛

خدایا تو را به غیب دانی و قدرتی که بر آفرینش داری سوگند می دهم تا موقعی که زندگی را

برای من بهتر میدانی مرا زنده نگه دار و موقعی که مرگ را برای من بهتر میدانی مرا بمیران

خدایا از تومی خواهم که ترس خود را در آشکار و نهان نصیب من کنی و در حال خشودی و

خشم کلمه اخلاص را بزبان من جاری نمائی و در حال فقر و توانگری میانه روی را شعار من
سازی.

525

اللهم ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار؛

خدایا پروردگارا، در دنیا و آخرت بمانیکی بخش، و ما را از عذاب جهنم محفوظ دار.

526

اللهم زدنا ولا تنقصنا و أكرمنا ولا تهنا، وأعطنا ولا تحرمنا و آثرنا ولا تؤثر علينا و أرضنا وارض

عنا؛

خدایا ما را بپفزای و دچار نقص ساز ما را کرامی دار و خوار کن ما را عطاده و محروم ساز و ما را
برتری ده و کسی را بر ما برتری مده ما را خشنود ساز و از ما خشنود باش.

527

اللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي. اللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي. اللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي. اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ. اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

خدایا تن مرا سالم دار خدایا گوش مرا سالم دار خدایا چشم مرا سالم دار خدایا از کفر و فقر بپناه
می برم، خدایا از عذاب قبر بپناه می برم، خدائی جز تو نیست.

528

اللهم كما حسنت خلقی فحسن خلقی؛

خدا یا چنان که صورت مرا نیک کردی سیرتم را نیز نیک کن.

529

اللهم لا تلکمنی الی نفسی طرفه عین ولا تنزع منی صلاح ما أعطیتنی؛

خداوند ایک لحظه مرا بخودم واکذار و چیزهای خوبی که بمن بخشیده ای از من باز مگیر.

530

اللهم من ولی من امر امتی شیئا فشقّ علیهم فاشقّ علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق

بهم فارفق به؛

خدا یا هر کس عهده دار کار است من شدو بر آنها سخت گرفت براو سخت کیره هر کس
عهده دار کار است من شدو با آنها مدارا کرد با او مدارا کن.

531

الهاو العوا فانی اکره ان یری فی دینکم غلطه؛

تفریح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود.

532

أما إنَّ العریف یفیع فی النار دفعا؛

شخص غیب کو در جهنم رانده می شود.

533

أما إنَّ ربك يحبُّ المرح؛

پروردگار تو سائش را دوست دارد.

534

أما ترضى إحدكنَّ أنها إذا كانت حاملاً من زوجها وهو عنها راضٍ أنَّ لها مثل أجر الصائم

القائم في سبيل الله إذا وضعت لم يخرج من لبنها جرعة ولم يمصَّ من ثديها مصّة إلا

كان لها بكلِّ جرعة وكلِّ مصّة حسّة، فإن أسهر ليلة كان لها مثل أجر سبعين رقبة تعتقهم

في سبيل الله؛

آیا خشود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبتن است و شوهرش از او خشود است

ثواب کسی دارد که روز روزه گیرد و شب برای عبادت خدای بپا خیزد و هنگامی که بار

گذارد هر جرعه ای که از شیر او در آید و هر دفعه که پستان او مکیده شود برای هر جرعه شیر و هر

مکیده شدن پستان ثوابی دارد، و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند پاداش او

چنانست که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد.

535

أما علمت أنّ الإسلام يهدم ما كان قبله وأنّ الهجرة تهدم ما كان قبلها وأنّ الحجّ يهدم ما

كان قبله؛

آیا نمیدانی که اسلام آنچه را پیش از آن بوده محو میکند و هجرت آنچه را پیش از آن رخ داده از میان می برد و حج آنچه را پیش از آن بوده نابود میسازد.

536

أما أهل النار الذين هم أهلها فإنهم لا يموتون فيها ولا يحيون ولكن ناس أصابتهم النار بذنوبهم فلما تتم إمامة حتى إذا كانوا فحماً أذن بالشفاعة فحجى بهم ضبائر ضبائر فبشوا على أنهار الجنة ثم قيل يا أهل الجنة أفيضوا عليهم فينبئون نبات الجنة تكون في حميل السيل؛

جهنمیان که در جهنم ماندنی هستند در آن مرک و زندگی ندارند ولی مردمی که بواسطه گناهان خود جهنمی شده اند در جهنم می میرند و همین که ذغال شدند اجازه شفاعت داده می شود و آنها

را گروه گروه می آورند و بکنار نهرهای بهشت میاندازند سپس به بهشتیان گویند آب بر آنها
بریزید و آنها چون دانه ای که در گذرگاه سیل باشد از نو میرویند.

537

أَبَا بَعْدَ أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَن يَأْتِيَ رَسُولَ رَبِّي فَأُجِيبُ وَأَنَا تَارِكٌ مِّمَّكُمْ
تَقْلِينَ أَوَّلَهَا كِتَابَ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ مِنْ أَسْمَكُ بِهِ وَأَخَذَهُ كَانِ عَلَى الْهُدَى وَمَنْ
أَخْطَاهُ ضَلَّ فِخْرًا وَابْتِغَاءً لِّلْآلِ الْغَالِبِ وَأَسْمَكُ بِهِ وَأَهْلُ يَتِي أَدْرِكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ يَتِي.
أَدْرِكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ يَتِي؛

اما بعد ای مردم من بشری، ستم که نزدیکست فرستاده خدا پیش من آید و دعوت او را
 اجابت کنم دو چیز سنگین میان شما میگذارم یکی کتاب خداوند که در آن هدایت و نور
 است و هر کس بدان چنگ زند و آن را بگیرد قرین هدایت است و هر کس آن را رها کند
 کم راه می شود، کتاب خدا را بگیرد و بدان چنگ زند؛ و خانواده من، درباره خانواده ام
 خدا را بیاد شامی آورم درباره خانواده ام خدا را بیاد شامی آورم،

538

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُضْرَةٌ حُلْوَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسَخِّفٌ لِّكُمْ فِيهَا فَنَظَرٌ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا
 النِّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ قَتْلٍ بَنِي إِسْرَءِيلَ كَانَ فِي النِّسَاءِ؛

اما بعد دنیا سبزو شیرین است و خداوند شمارا در آن جای داده و نگران است که چگونه
رفتار میکنید، از دنیا بپرسید و از زنان نیز بپرسید زیرا نخستین کمرای یهودان در خصوص
زنان بود.

539

اما بعد فما بال العاقل نستعمله فإتينا فيقول هذا من علمكم وهذا أهدى إليّ، أفلا تعذبنی میت اُبیّه و
اُمّه فیظربل یدیه له اُم لا؟؛

اما بعد چرا کسی که ماکاری بد و میسریم، وقتی از مأموریت خود بیاید کوید اینهارا برای شما
وصول کردم و اینهارا بمن هدیه داده اند، چرا در خانه پدر و مادر خود نشست تا ببیند هدیه ای باو
میدهند یا نه؟

540

امراة ولود احبّ الى الله تعالى من امراة حسناء لا تلد انی مکاشربکم الامم یوم القیامة؛
زنی که فرزند بسیار آورد پیش خداوند از زن زیبایی که فرزند نمی آورد بهتر است من در
روز قیامت بفرونی شما افتخار می کنم.

541

أمرین امرین و خیر الامور اوساطها؛

راهی میان افراط و تفریط است و بهترین کارها میانه رو است.

542

أمر النساء إلی آباءهنّ و رضاهنّ السکوت؛

کار زنان به دست پدرها شناخت و رضایت آنها سکوت است.

543

أمرت بالسّواک حتیّ خشیّت أن یتب علیّ؛

مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که ترسیدم مسواک زدن بر من واجب شود.

544

أمرت بالسَّوَاكَ حتى خفت على أُناسي؛

مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادم که بردنهای خود پیمناک

545

أعط الأذى عن طريق المسلمين تكثير حناتك؛

مانع از راه مسلمانان دور کن تا حسنات تو بسیار شود.

546

أنا، أنا، ثم أنا، ثم أنا، ثم الأقرب فالأقرب؛

مادر خود، مادر خود، مادر خود را رعایت کن، سپس پدر خود را و پس از آن کسانی را کہ بتو

نزدیکترند.

547

الملک یدک؛

دست خویش را نگهدار.

548

الملک علیک لسانک؛

زبان خویش را نگهدار.

549

إِلاء النحر خیر من السکوت و السکوت خیر من إِلاء الشَّرب؛

القای خیر از خاموشی بهتر و خاموشی از القای شر برتر است.

550

أَمْنک من عتَبک؛

هر که ترا سرزنش کرد از کینه خویش ایمن ساخت.

551

أنا أفصح العرب؛

من از همه مردم عرب فصیح ترم.

552

أنا الشاهد على الله أن لا يعثر عاقل إلا رفعه ثم لا يعثر إلا رفعه ثم لا يعثر إلا رفعه ثم لا يعثر إلا رفعه حتى يجعل مصيره إلى الجنة؛

من از طرف خدا تعهد میکنم که عاقلی نلغزد مگر آنکه خدا او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر آنکه او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر او را بلند کند تا سر انجام او را بهشت بکشاند

553

أنا النذير والموت المغير والساعة الموعده؛

من یم دهنده ام و مرگ ینما کر است و رستاخیز وعده گاه.

554

إن أحببتم أن يحكم الله ورسوله فادّوا إذا أنتمم وادّوا إذا حدّثتم وأحسنوا جوار من

جاور کم؛

اگر میخواهید که خدا و پیغمبر شمارا دوست بدارند وقتی امانتی به شما سپردند رد نکنید و همین که

سخن می گوئید راست گوئید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید.

555

انتظار الفرج بالصبر عبادة؛

انتظار کشایش که با صبر قرین باشد عبادت است.

556

انتظار الفرج من الله عبادة ومن رضى بالتفليس من الرزق رضى الله تعالى منه بالتفليس

من العمل؛

انتظار کشایش از جانب خداوند عبادتست و هر که بروزی اندک راضی باشد خداوند از او

بعبادت اندک راضی می شود.

557

أَنْتُمْ عَلَى يَتِّهِ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَطْهَرُوا مِنْكُمْ سَكْرَتَانِ سَكْرَةُ الْبَهْلِ وَسَكْرَةُ حُبِّ الدُّنْيَا؛

تا هنگامی که مستی نادانی و مستی دنیا پرستی از شما پدیدار نشود بخداوند خویش اطمینان دارید.

558

أَنْتِ وَمَالُكَ لِأَيِّكَ؛

تو و آنچه داری متعلق به درت هستی.

559

أَنْزِلُوا النَّاسَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَأَنْزِلُوا النَّاسَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَأَنْزِلُوا النَّاسَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ

مردم را در مقام خودشان از بدی و نیکی بشناسید.

560

إِنْ شِئْتُمْ أَنْبَأْتُكُمْ عَنِ الْإِبَارَةِ وَمَا هِيَ، أَوَّلُهَا مَلَامَةٌ وَثَانِيهَا نَذَامَةٌ وَثَالِثُهَا عَذَابٌ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ؛

اگر بخواهید شمارا از ریاست خبر می دهم که چیست، اولین مرحله آن ملامت است و
دومین مرحله آن نذامت و سومین مرحله آن عذاب روز قیامت.

561

أَنْصُرَ أَحَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا إِنَّ يَكُ ظَالِمًا فَارَدَدَهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَإِنْ يَكُ مَظْلُومًا فَانْصَرَهُ؛

برادر خود را یاری کن چه ستمگر باشد و چه ستم دیده اگر ستمگر است اورا از ستم بازدار و اگر
ستم دیده است اورا یاری کن.

562

أَنْظُرْ فَإِنَّكَ لَسْتَ بِخَيْرٍ مِنْ أَحْمَرَ وَلَا أَسْوَدَ إِلَّا أَنْ تَفْضَلَ بِتَقْوَى؛

بگو که تو از سرخ پوست و سیاه پوست بهتری نیستی جز آنکه در پرهیزکاری از او برتر باشی.

563

أَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزِدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ

علیکم؛

به آنکه از شمایین تر است بنگرید و بان که از شما بالاتر است منگرید زیرا بدین وسیله قدر

نعمت خدا را بهتر می دانید.

564

أَنْظُرْ فِي أُمِّي نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فِيَّ الْعَرَقِ دَسَاسٌ؛

بنگر فرزند خود را در کجا قرار میدهی که خون تاثیر خود را باقی میگذارد.

565

أَنْعَمَ عَلَى نَفْسِكَ كَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛

نعمتی را که خدا بتو داده از آن بهره بگیر.

566

أنفقى ولا تحصى فيحصى الله عليك ولا توعى فيوعى الله عليك؛

خرج کن و حساب مکن که خدا بر تو حساب کند و بخل موز که خدا بر تو بخل ورزد.

567

إن قامت الساعة ونيذ أحدكم فسيلة فإن استطاع أن لا يقوم حتى يغزها فليغزها؛

اگر رستاخیز باشد و نهالی در دست یکی از شماست اگر میتواند آن را بکار د باید بکار د.

568

أكلوا فاني مكاثر بكم؛

زنا شوئی کنید کہ من از فرونی شما تاخر میکنم.

569

إِنَّ آدَمَ قَبْلَ أَنْ يَصِيبَ الذَّنْبَ كَانَ أَجَلُهُ مِنْ عَيْنِيهِ وَأَمَّا خَلْفُ فَلَمَّا أَصَابَ الذَّنْبَ

جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَلَهُ مِنْ عَيْنِيهِ وَأَجَلُهُ خَلْفُ فَلَا يُرَالِ يَوْمَ حَتَّى يَمُوتَ؛

آدم پیش از آنکہ مرتکب گناہ شود مرگش جلو چشمش و آرزویش پشت سرش بود و

ہمین کہ مرتکب گناہ شد خداوند آرزوی او را جلو چشمش و مرگش را پشت سرش قرار

داد بدین بہت پیوستہ آرزو میکند تا بمیرد.

570

إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ وَأَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدَّعَاءِ؛

بخیل ترین مردم آن کس است که از سلام دادن بخل ورزد و ناتوان ترین مردم کسی است که از دعائاتوان باشد.

571

إِنَّ ابْنَ آدَمَ حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ؛

آدم نیز ابر چیزی که از آن منع شده سخت حریص است.

572

إِنَّ أَبْرَ السَّرَّانَ يَصِلُ الرَّجُلَ أَهْلٌ وَوَدَّ أَبِيهِ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ الْأَبَ؛

بهترین نیکی آنست که مرد پس از مرگ پدر خویش با دوستان او دوستی کند.

573

إِنَّ أَعْضَ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ الْعَفْرِيتِ التَّقْرِيتِ الَّذِي لَمْ يَرْزَأْ فِي مَالٍ وَلَا وَلَدٍ؛

منفورترین بندگان خدا بنزد وی شخص سرکشی است که در مال و فرزند مصیبت ندیده

است.

574

إِنَّ ابليسَ يَضَعُ عرشَهُ عَلَى الْمَاءِ، ثُمَّ يَبْعَثُ سِرَافَةً فَأَدْنَاهُم مِنْهُ مَنْزِلَةً أُعْظِمُهُمْ قَتْلَهُ يَحْيَىٰ ۚ
أَحَدُهُمْ يَقُولُ فَعَلْتُ كَذَا وَفَعَلْتُ كَذَا فَيَقُولُ مَا صَنَعْتَ شَيْئًا وَيَحْيَىٰ ۚ أَحَدُهُمْ يَقُولُ مَا تَرَكْتُ
حَتَّىٰ فَرَّقْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَهْلِهِ فَيَذَنُ مِنْهُ وَيَقُولُ نَعَمْ أَنْتَ ۚ
شیطان تخت خویش را بر آب می گذارد و دسته های خود را به اطراف میفرستد و آنها که
گمراهی بزرگتر پدید آرند منزلتشان بدو نزدیک تر است، یکی از آنها بیاید و گوید چنین کردم
و چنان کردم ابلیس گوید کاری نکرده ای، یکی از آنها بیاید و گوید وی را را نکردم تا
میان او و کسانش تفرقه انداختم، شیطان او را بخود نزدیک کند و گوید تو خوبی.

إِنَّ ابْلِيسَ يَبْعَثُ أَشَدَّ أَصْحَابِهِ وَأَقْوَى أَصْحَابِهِ إِلَى مَنْ يَضَعُ الْمَعْرُوفَ فِي مَالِهِ؛

شیطان محکمترین و نیرومندترین یاران خود را برای همراهی کسی فرستد که با دارائی خود کار

نیک انجام میدهد.

576

إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلِّ الشَّوْفِ؛

درهای بهشت زیر سایه شمشیرهاست.

577

إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْنَاهُمْ مِنْ مَجْلِسِ إِمَامٍ عَادِلٍ وَأَبْغَضُ

النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَأَبْعَدُهُمْ مِنْ إِمَامٍ جَائِرٍ؛

محبوبترین مردم در نظر خدا روز قیامت و نزدیکترین به او پیشوای دادگستر است و منفور

ترین مردم و دورترین از همه باو پیشوای ستمگر است.

578

إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ نَصَحَمُ لِعِبَادِهِ؛

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که بایندگان او مهربانتر باشد.

579

إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ مَنْ حَبَّ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ وَحَبَّ إِلَيْهِ فَعَالَهُ؛

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام
آن را در دلش انداخته است.

580

إِنَّ أَحَدَكُمْ مَرَأَةٌ أَخِيهِ فَإِذَا رَأَى بِهِ أَوْفَى فَلْيَمِطْ عَنْهُ؛

هر یک از شما آئینه برادر خویش است وقتی عیبی بر او دید باید بزداید.

581

إِنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بطنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَظْمَةً ثُمَّ يَكُونُ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ

مَضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا وَيُؤَمِّرُ بَارِعَ كَلِمَاتٍ وَيَقَالَ لَهُ: اكْتُبْ عِلْمَهُ

رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَشَقِيَّ أَوْ سَعِيدَهُ، ثُمَّ يَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ؛

هریک از شاد شگم مادر خود چهل روز نطفه است پس از آن چهل روز علقه است پس

از آن چهل روز مضغه است پس از آن خداوند فرشته ای بسوی او میفرستد و او را چهار

کلمه مأمور می سازد و میگوید عمل و روزی و مرک و او را اینک خوشبختی یا بدبختی رقم

بزن، پس از آن روح در او دمیده می شود.

إِنَّ الرَّجُلَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِعَمَلِ أَهْلِ الْحِجَّةِ حَتَّى مَا يَكُونُ مِنْهُ وَمِنْهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَسَبَقَ عَلَيْهِ الْكِتَابُ
فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُ النَّارَ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونُ مِنْهُ
مِنْهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَسَبَقَ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْحِجَّةِ فَيَدْخُلُ الْحِجَّةَ؛

کسی از شکار بهشتیان را انجام میدهد تا آنجا که میان او و بهشت ذراعی بیش نماند ولی
سرنوشت بر او چیره شود و کار جهنمیان کند و به جهنم رود و نیز کسی کار جهنمیان کند تا آنجا که
میان او و جهنم ذراعی بیش نیست ولی سرنوشت بر او چیره شود و کار بهشتیان کند و
بهشت رود.

إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا الَّذِينَ يَذُوبُونَ إِلَيْهِ هَذَا الْمَالُ؛

مایه افتخار مردم دنیا که بسوی آن میروند این مال است.

584

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقُ الْحَسَنُ؛

بهترین نیکی ها سیرت نیک است.

585

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمٍ لِّلَّسَانِ؛

میش از هر چیز بر امّت خود از منافق چرب زبان بیم دارم.

586

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِشْرَاقَ بِإِسْمِهِ أَمَا إِنِّي لَسْتُ أَقُولُ يَعْبُدُونَ شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَلَا
وَشَنَاوُ لَكِنَّ أَعْمَالًا لَغَيْرِ اللَّهِ وَشَهْوَةً خَفِيَّةً؛

بیش از هر چیز بر امت خود از شرک بخدا بیم دارم، من نمیگویم که خورشید و ماه یابست
میرستند ولی کارهایی برای غیر خدا انجام میدهند و دستخوش شهوت نهانی میشوند.

587

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأُمَّةَ الْمَضْلُوكَةَ؛

بیش از هر چیز بر امت خود از پیشوایان گمراه کننده بیم دارم.

588

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي عِلَّ قَوْمٍ لَوْطٍ؛

بیشتر از هر چیز بر است خود از کردار قوم لوط بیم دارم.

589

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نَذَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ؛

پشیمانتر از همه مردم در روز قیامت، مردی است که آخرت خود را بدنیای دیگری فروخته

است.

590

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِعِلْمِهِ؛

بروز رستاخیز عذاب دانشمندی که خداوند او را از دانشش متفع نکرده از همه مردم سختتر است.

591

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَصَدِيقًا لِلنَّاسِ أَصْدَقُهُمْ حَدِيثًا وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَكْذِيبًا أَكْذَبُهُمْ حَدِيثًا؛

هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور میکند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو می‌شمارد.

592

إِنَّ أَشْقَى الْأَشْيَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ؛

بدبختترین بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

593

إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ أَكْثَرُهُمْ لِلنَّاسِ؛

پاسکزارتر از همه مردم کسی است که پاس مردم را بیشتر می گذارد.

594

إِنَّ أَطْيَبَ طَعَامِكُمْ مِمَّا مَسَّتْ النَّارُ؛

بهترین غذاهای شما آنست که باتش پخته شود.

595

إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التَّجَارِ الَّذِينَ إِذَا حُثُوا لَمْ يَكْذِبُوا وَإِذَا أَسْتَمُوا لَمْ يَخُونُوا وَإِذَا وَعَدُوا

لَمْ يَخْلَفُوا وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ دِينَ لَمْ يَمْطَلُوا وَإِذَا كَانَ لَهُمْ لَمْ يَعْصُوا وَإِذَا بَاعُوا لَمْ يَطْرُوا وَإِذَا

اشترأوا لَمْ يَذْمُوا؛

بهترین کسب، کسب تجاری است که بهنگام سخن دروغ نگویند و در امانت خیانت

نکنند و بوعده وفا کنند و در پرداخت قرض خود تعلل نکنند و در مطالبه سخت گیری نکنند و

بهنگام فروش در ستایش جنس خود مبالغه نکنند و بهنگام خرید از جنس دیگران بد نگویند.

596

إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ وَإِنَّ أَوْلَادَكُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ؛

بهترین روزی شما آنست که از کسب بدست آرید و فرزند شما جزو کسب شماست.

597

إِنَّ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يُطْلَعُونَ إِلَى أَنَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ بِمِ دَخَلْتُمُ النَّارَ فَوَاللَّهِ

دَخَلْنَا الْجَنَّةَ إِلَّا بِمَا تَعَلَّمْنَا مِنْكُمْ. فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَقُولُ وَلَا نَفْعَلُ؛

مردمی از بهشتیان بسوی گروهی از جهنمیان نگران شوند و گویند برای چه به جهنم رفتید؟

بخدا ماه حکم چیزهایی که از شما آموختیم بهشت درآیدیم جهنمیان گویند ما میکشتم ولی عمل

نمیکردیم.

598

إِنَّ أَعْظَمَ الذَّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَلْقَاهُ بِعَبْدٍ - بعد الکبائر التي نهى الله عنها - أَنْ يَمُوتَ
الرَّجُلُ وَعَلَيْهِ دِينَ لَا يَدْعُ لَهُ قَضَاءٌ؛

بعد از گناهان بزرگ که خداوند از آن نهی کرده بزرگتر از همه گناهان آنست که مردی بمیرد و
قرضی داشته باشد و محلی برای پرداخت آن نگذارد.

599

إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ خَطَايَا يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ خَوْضًا فِي الْبَاطِلِ؛

بروز رستاخیز کنایه آن کس از همه مردم بیشتر است که بیشتر از همه گفتگوی بیهوده کرده باشد.

600

إِنَّ أَجَلَ الطَّاعَةِ ثَوَابُهَا صِلَةُ الرَّحْمِ؛

ثواب نیکی با خویشاوندان را از همه کارهای نیک زودتر می دهند.

601

إِنَّ أَفْضَلَ عَمَلِ الْمُؤْمِنِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

بهترین عمل مؤمن، جهاد در راه خداست.

602

إِنَّ أَفْوَاحَكُمْ طُرُقٌ لِلْقُرْآنِ فَطَيَّبُوهُا بِالسَّوَاكِ؛

دهانهای شما معبر قرآنست آن را با مسواک پاکیزه کنید.

603

إِنَّ أَقْلَ سَاكِنِي الْجَنَّةِ نِسَاءٌ؛

کمترین ساکنان بهشت زنانند.

604

إِنَّ أَكْبَرَ الْإِثْمِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَصِيعَ الرَّجُلُ مِنْ يَقْوَتِ؛

بزرگترین گناهان در نظر خدا آن است که مردی ناخور خود را سرگردان گذارد.

605

إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شُعَانِي الدُّنْيَا طَوْلَهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

آنکه در دنیا از همه مردم سیرتر است روز رستاخیز بیشتر از همه گرسنه خواهد ماند.

606

إِنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ الْحِجَّةِ الْبَلَدِ؛

بیشتر هشتیان ابلهانند.

607

إِنَّ أَكْثَرًا يَدْخُلُ النَّاسُ النَّارَ الْأَبْوْفَانِ: الْفَهْمُ وَالْفَرْجُ؛

مردم بیشتر از همه بواسطه دو چیز محوف: بهمهم میروند: دهان و عورت.

608

إِنَّ أَكْثَرًا يَدْخُلُ الْجَهَنَّمَ النَّاسُ تَقْوَى اللَّهِ وَحَسَنَ الْخَلْقِ؛

مردم بیشتر بواسطه ترس خدا و نیک خلقی بهشت میروند.

609

إِنَّ الْأَحْمَقَ يَصِيبُ بِحِمَّةٍ أُعْظَمَ مِنْ فُجُورِ الْفَاجِرِ؛

احمق بواسطه حماقت بیشتر از مردم بدکار گناه میکند.

610

إِنَّ الْأَرْضَ لَتَنَادِي كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً يَا بَنِي آدَمَ كُلُوا مَا شِئْتُمْ وَاشْتَبِهْتُمْ فَوَاللَّهِ لَا أَكَلْنَ

بحولکم و جلو دکم؛

زمین هر روز هفتاد بار بانک منیزد، آدمیزادگان هر چه می خواهید و دوست دارید بخورید

بخدا که گوشت و پوست شما را خواهم خورد.

611

إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَا غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛

اسلام در آغاز غریب بود و باز، پمخنان که بود غریب خواهند شد خوشا بحال غریبان.

612

إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَطْفَؤْا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْحِجَّةَ إِلَّا النَّظِيفُ؛

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید که هر کس پاکیزه نیست بهشت نمی رود.

613

إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَخْلُقَ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبُ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجِدَ الْإِيمَانَ فِي

قُلُوبِكُمْ؛

ایمان شما چون لباسی که به تن دارید کهنه می شود از خدا بخواهید که ایمان را در دل شما تازه کند.

614

إِنَّ السَّوْأَةَ سَطِيلَانِ الْأَعْمَارُ وَيَعْمَرَانِ الدِّيَارُ وَيَكْثُرَانِ الْأَمْوَالُ وَلَوْ كَانَ الْقَوْمُ فَجَّارًا؛

نیکی با کسان و مهربانی با خویشان عمر را در از و شهر را آباد و اموال را زیاد می کند اگر چه

انجام دهندگان آن بدکاران باشند.

615

إِنَّ التَّوَّاضِعَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعْكُمْ اللَّهُ وَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَاعْفُوا

یغزکم الله و این الصدقه لا یزید المال إلا انماء فتصدقوا یردکم الله

تواضع مایه رفعت است تواضع کنید تا خدا شمار را رفعت دهد. عفو مایه عزت است عفو کنید تا

خدا شمار را عزت بخشد. صدقه موجب فزونی مال است صدقه دهید تا خدا مالتان را زیاد کند.

616

إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛

حسد نیکی ها را میخورد و چنان که آتش بنیرم را میخورد.

617

إِنَّ الْحِكْمَةَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا؛

حکمت شرافت شریف را افزون می کند.

618

إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْإِيمَانَ قَرْنَانِ جَمِيعًا فَإِذَا سَلَبَ أَحَدُهُمَا تَبَعَهُ الْآخَرُ؛

حیا و ایمان قرین یک دیگرند وقتی یکی را گرفتند دیگری همراه آن میرود.

619

إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُتَحَلِّمٌ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛

جهان شیرین و سبز است و خدا شمارد آن جای داده تا ببیند چه میکنید.

620

إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا رَضِيَ هَدَى الرَّجُلُ وَعَلَهُ فُؤُوسُهُ؛

هرکه از روش و کار دیگری راضی باشد مثل اوست.

621

إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرُ اللَّهِ تَعَالَى إِلَيْهَا نَظَرُ الرَّحْمَةِ؛

وقتی مرد بزن خود نگاهد و زنش بدو نگاهد خداوند بیده رحمت بر آنها می نگرد.

622

إِنَّ الرَّجُلَ لَا يَزَالُ فِي صَحَّةٍ رَأْيِهِ مَا نَصَحَ لِمُسْتَشِيرِهِ، فَإِذَا غَشَّ مُسْتَشِيرُهُ سَلَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى صَحَّةَ

رَأْيِهِ؛

مردمانهنگامی که مشورت کنان خود را رهبری می کنند از اصابت رأی بهره وراست و
همین که با مشورت کنان خیانت کرد خدا اصابت رأی را از او میگیرد.

623

إِنَّ الرَّجُلَ لَتَرْفَعُ دَرَجَتَهُ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ أَنِّي لِي بِذَا؟ فَيَقَالُ بِاسْتِغْفَارٍ وَلَدَكْ لَكَ؛

مقام یکی را در بهشت بالا برند و گوید این مقام از کجا برای من حاصل شد؟ گویند فرزنت
برای تو آمرزش طلبید.

624

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيهِ وَلَا يَرُدُّ الْقَدْرَ إِلَّا الدَّعَاءُ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا السُّبْرُ؛

انسان بسبب گناہ از روزی محتوم محروم ماند و تقدیر جز بد عابر نکرد و دو عمر جز به نیکوکاری
دراز نشود.

625

إِنَّ الرَّجُلَ لِيُطْلَبَ الْحَاجَةُ فَيُزَوِّهَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ فَيَتَمَّ النَّاسَ ظُلَامًا لَمْ يَقُولِ
مَنْ سَعْنَى؛

انسان حاجتی میخواند و خدا برای مصلحتی حاجت او را بر نمی آورد و او بستم مردم را مستم
میکند که کی حق مرابد.

626

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ - أَوْ الْمَرْأَةَ - بِطَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى سِتِينَ سَهْمًا يَحْضُرُ بِهَا الْمَوْتَ فَيُضَارَّانِ فِي

الْوَصِيَّةِ فَتُجِبُ لَهَا النَّارُ.

مرد یا زن شصت سال خدا را عبادت می کنند و بهنگام مرگ در وصیت بحق رفقار نمی کنند

و جهنم بر آنها واجب می شود.

627

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا يَجُودُ فِيهِمَا يَدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا

النَّارِ فَيَأْتِيهِمَا يَدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَهَنَّمَ.

گاه می شود که انسان در نظر مردم کار بهشتیان می کند اما به حقیقت از جهنمیان است و گاه

می شود که انسان در نظر مردم کار جهنمیان می کند و به حقیقت اهل بهشت است.

628

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمْنَ الطَّوِيلَ. يَعْمَلُ أَهْلَ الْحِجَّةِ ثُمَّ يَنْتَحِمُ لَهُ عَمَلُهُ أَهْلَ النَّارِ وَإِنَّ

الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمْنَ الطَّوِيلَ. يَعْمَلُ أَهْلَ النَّارِ ثُمَّ يَنْتَحِمُ عَمَلُهُ أَهْلَ الْحِجَّةِ.

گاه می شود که انسان مدتی دراز کار بهشتیان می کند پس از آن کار وی به رفتار جهنمیان

خاتمه می یابد و گاه می شود انسان مدتی دراز کار جهنمیان میکند و پس از آن کار وی به رفتار

بهشتیان خاتمه می یابد

629

إِنَّ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فَيُهْمُ قُلُوعَ رَحْمٍ.

مردمی که در میان آنها کسی از خوشاوندان بریده باشد، رحمت خدا بر آنها فروود نمی آید.

630

إِنَّ الرِّزْقَ لِيَطَالِبِ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ.

روزی بیشتر از اجل در جستجوی بنده است.

631

إِنَّ الزَّانَةَ يَأْتُونُ تَشَعْلُ وَجْهَهُمْ نَارًا.

www.hafezasrar.com

منبع: وبسایت شهید آوینی به آدرس ذیل

<http://www.aviny.com/nahej->

[fasahe/fehrest.aspx](http://www.fasahe/fehrest.aspx)